

سال دوم دوره دوم

# رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

پنجشنبه ۲۷ شهریور ۵۹ شماره ۱۰۳ تک شماره ۱۰۱ ریال

ترکیه: از وابستگی اقتصادی

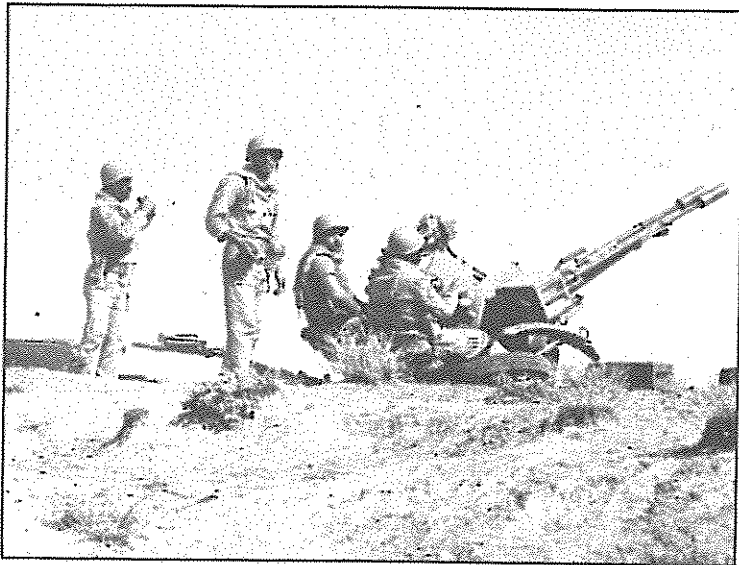
تا کودتای نظامی

نقش ۲ تن از رهبران کودتا در سازمان ضد چریکی

ترکیه (کنتر گریلا)

در صفحه ۴

# ارتش جمهوری تجاوز عراق را در هم می شکند و مرزهای ایران را حفظ می کند



دفاع ضد هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در مرز عراق

کاملاً مناسب برای جنگی تجاوزگرا نه را آماده سازد. و سرانجام هنگامیکه فکر کردند همه شرایط آماده است، تسلیح با تدهای مسلح را به سطح گسیل نیروهای نظامی خود به خاک کشور ما و تلاش در تسخیر بخشهایی از غرب ایران تکامل دادند. آنگاه با حمایت دشمنان انقلاب ایران و بکار انداختن پول نفت و دست برداشتن از مواضع قبلی بظا هر انقلابی خود علیه عربستان سعودی و غیره به انعقاد قراردادها با اردن، مراکش و غیره متوسل گردیدند. در کلیه این کارها حکومت بعثی صدام حسین این هدف را دنبال می کرد که با تمرکز بر تلاشهای بیرونی، وضع درونی خود را همراه با سرکوب مردم محکم نموده و جای خالی رژیم شاه معدوم به دستا به قویترین قدرت خلیج فارس را پس بر کند.

بقیه در صفحه ۲

رژیم فاشیست بعث عراق به دنبال دشمنی با انقلاب اسلامی ایران و کمک به عوامل دوا بر قدرت در کردستان سرانجام، دشمنی را با جنگ تجاوزی تکمیل کرد و جنگ تمام و کمالی را علیه کشورها آغاز کرده است. در تدارک این کارسی هزارشبه عراقی ایرانی الاصل را از موطن و کاشانه خود آواره نمود و در کمین فلانک و بیچارگی با ایران روانه کرد. صدام و معاونان و ناعشارش خیال خام خود بر آن شدند که تا با استفاده از مشکلات کشور ما و دامن زدن به جو فدا ایرانی در کشورهای عربی، شرایط

هر چه داشتند در حقیقت در حق توده مردم و او میشد و برگرداندن آنها را نشا رمیا ورد. در دوره شاه سرنگون شده مردم با نگاه مختلف در عذاب بودند، از اینرو انقلاب را برگزیدند و انقلاب کردند تا وضع دگرگون شود، همه این مطالب ما بود کرده، فصل جدیدی از زندگی جامعه گشوده شود و جا معدای نوین پدیدار گردد، جامعه ای با روابط و ضوابطی نوین و بیگانه با آنچه سالها حاکم بوده است، جامعه ای که عدالت و مساوات بر آن سایه افکنده باشد. پیرو شدن در انقلاب کارآسانی نبود. مردم و اشاعا می گذاشتند

بقیه در صفحه ۲

## مردم حق دارند ارضی باشند

مردم از وضع ناراضی اند. ناراضی در حقهای مردم در اعمال مردم کاملاً مشهود است. ناراضی مختص یک کشور و طبقه نیست، ناراضی تقریباً همه گیر است. بعلاوه این ناراضی روز افزون بوده و با گذشت زمان برابعد آن اضافه میشود. دلایل ناراضی متفاوت است، هرگی دلایلی برای خود دارد، دلایلی که در اکثر موارد بی پایه نیست، معقول و محققند است. دلایل ناراضی مردم با همه تنوع خود یک وجه عمومی مشترک دارد: انقلاب هنوز نتوانسته خواستهای مردم را آنطور که شایسته است برآورده سازد...

## فعالیت فزاینده تبلیغاتی و جاسوسی روسیه در ایران

کشف بیش از سی گامیون کتب و نشریات تبلیغاتی چاپ روسیه که بطور غیرقانونی از مرزها گذرانده

### یادداشت سیاسی

## گروگانها: راه حل امام یا...

در شما ره قبل به مسئله گروگانها اشاره کردیم و گفتیم که چگونه چهار شرطی را که ما برای آزادی آنها مطرح نموده اند میتوان این کار را به یک موفقیت بکشد. همینطور اشاره کردیم که چگونه نظراتی مخالف نظر امام در مورد مسئله گروگانها وجود دارند و توضیح دادیم که علیرغم نیت مخالفین حاصل امر چیزی مگر تسبیح از سیاست نه جنگ و نه صلح نیست. تا شید نظر ما در طی همین دوروزی که بحث گروگانها در مجلس آغاز گردیده روشن شده است. چه از جانب کسانی که ظاهراً میگویند همطور که ما گفتیم... پس باید گروگانها محاکمه شوند و غیره و از آنک، وجه نظراتی که اصولاً آن چهار شرط رهبری را قبول ندارند. نظریه اول در مقالات مختلف نشریات سازمانهای سیاسی معین و مقالات نویسندگان سازمانهای سیاسی در روزنامه های یومیه معین منعکس گردیده. اما نظر دوم را روشنتر از همه رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام نموده است. در مورد اول که ظاهراً مدعی اند همان شرایط امام را میگویند هم پیشنها دبا زهم بظا هر شکننده شان اینست که با ید گروگانها را محاکمه کرد. البته در جایی میگویند ما حق اینها را کف دستشان میگذاریم تا دیسگران حساب خود را بکنند و در جایی دیگر می نویسند: "محاکمه، محاکمه دولت آمریکا است نه محاکمه چند محکوم به اعدام و چند سوس مزدور زبون". از اینها با ید پرسید که خوب اگر محاکمه گروگانها انقلابی ترین کار است و آنهم محاکمه چند سوس مزدور "محکوم به اعدام" نیست بلکه محاکمه آمریکا است، آخر چه دلایلی با ید سرگروگانها آورد؟ با ید آنها را آزاد کرد؟ با ید اعدام، ندانند؟ خلاصه آخر کار، محاکمه اهدا بکنند؟

## تحریر تاریخ یا کوپیدن آب در هاون

رغم مغلطه بردفتن دانش نرنیم سرح برورق شیده ملحق نکنیم گریبی گفت حسودی و رفیقی رنجید گوتو خوش باش که ما گوش به احق نکنیم "حافظ"

در همیشه تاریخ همواره کسانی پیدا شده اند که بنا آ آنچه در نزد توده ها مقدس است، بر آنچه برای توده ها عزیز و اولاد است تا ختاندتسا بلکه در شگاف حوادث ریز و درشت جانی برای خود دست و پا کنند و برای تنی

# لمریات «نیروی ضربتی ویژه» در خاک مصر

## رژیم سادات بجای مبارزه علیه دو ابر قدرت پایگاه نظامی در اختیار آمریکا قرار میدهد

دو هفته پیش گذاشته شدند، گوشه دیگری از فعالیت عظیم تبلیغاتی و جاسوسی روسیه در ایران را فاش نمود.

کسانیکه نشریات تبلیغاتی متعدد و متنوع بنگاه "بروکس" مسکو را که بشعرا دوزیا دوبا قیمت های نام چیز تبلیغاتی در گوشه و کتا رتها رو سا بر شهرستانها عرضه میکردند، مشاهده کرده اند، میداندند که نشریات کشف شده تنها قطره نا چیزی از سیل نشریات تبلیغاتی روسی در بازارهای ایران اند و کسانیکه روند سیاست نفوذ و تنها جم میریالیسم روسیه به کشورهای جهان سوم را تعقیب میکنند بخوبی میداندند که اینگونه نشریات تبلیغاتی چه نقش مهمی در برنامهدار کی روسیه بمنظور ایجاد آماجگی ذهنی وایدئولوژیک برای نفوذ و تنها جمبعی بازی میکنند.

تبلیغاتی که در پوشش نشریات "علمی" و "مارکسیستی" زمینه نفوذ مناسبی در افکار مختلف و بویژه روشنفکران و جوانان پیدا میکنند. اما بحث ما در اینجا نه بر سر نشریات اینگونه نشریات تبلیغاتی روسیه، بلکه در این مورد است که ما تا چه وقت باید نظاره گر منفعلی بسر

بر طبق گزارشات خبرگزارهای امپریالیسم آمریکا در سال جاری دوهزار نفر از نیروهای ضربهتی ویژه خود را برای انجام مامورهای نظامی به مصر خواهند فرستاد. انجام این تشریفات نظامی بخشی از برنامه آماجگی "نیروی ضربتی ویژه" آمریکادر منطقه خاورمیانه و خلیج فارس محسوب میشود.

امپریالیسم آمریکا پس از سقوط رژیم شاه که عمدها به زانندارم وی در خلیج فارس عمل میکرد و بویژه پس از اشغال افغانستان توسط ارتش امپریالیسم روسیه، برای حفظ موقعیت خویش در منطقه و جلوگیری از نفوذ رقیب قدرتمند و مهاجم خود، نیروی ضربتی ویژه ای را مرکب از ۲۰۰ هزار سرباز و پستل با مدرنترین سلاحها سازمان داد. وظیفه این نیرو، مدافع مستقیم و اشغال مناطق مهم و استراتژیک حوزه خلیج فارس و متوقف ساختن موقتی پیشروی ارتشهای روسی به طرف جنوب تا رسیدن قوای اصلی ارتش امپریالیسم آمریکا در صورتتهاجم روسیه تعیین شده است.

روشن است که چنین نقشه ای تنها در چارچوب رقابت دو ابر قدرت و تدارک یک جنگ خاندانسیو جهانی تدوین شده است. این برنامه در صورت عملی شدن به اشغال نظامی کشورهای حوزه خلیج فارس و تبدیل این منطقه به صحنه جنگ میان آمریکا و روسیه که بی شک چیزی جز کشتار دسته جمعی و خرابی های غیر قابل تصور برای نوده های مردم این سامان به ارمغان نخواهد آورد، منجر خواهد بود و از اینرو سیاست و مفاومت خلفها و بیساری از کشورهای منطقه روبرو گشته است.

امپریالیسم آمریکا پس از عملی ساختن برنامه "نیروی ضربتی ویژه" در صفحه ۲

اقدامات خطرناک روسیه را در کمال سادگی و بانوعی بی اعتنائی بر گزار میکنند و از کنار آنها میگذرند، برخی اتفاقات و عکس العمل مسئولین را مرور میکنیم:

در زمینه نظامی روسیه تاکنون حداقل ۵ بار از طریق مرزهای شمالی و شرقی (افغانستان) به خاک کشور ما تجاوز نموده است و این تازه آما رسمی مقامات کشوری است. ودعای که تاج وزات امپریالیسم روسیه به ایران از طرف مسئولین ایرانی کشف و یا اعلام نگشته باشد نمیشود. تا آنجا که ما میدادیم در هیچ یک از این موارد حتی یک اعتراض رسمی در مورد تاج و زب خاک یک کشور مستقل از طرف دولت ایران صورت نگرفته. برای کشوری مانند ایران که با برچهنه شرقی، نه غربی بسیار امپریالیسم در جنگ است و حیاتی ترین مسئله اش حفظ استقلال و تمامیت ارضی میباشد، اینگونه بی اعتنائی و زیر سیلی در کردن مسئله جبهه معنی دارد؛ علاوه مقامات رسمی کشور تاکنون در باره تمرکز نیروهای روسی در مرزهای ایران - در شمال در امتداد مرزهای ایران یک نیروی

بقیه در صفحه ۲

تکیه زبند.

این جنین است حرکتی که امروزه عده ای وجهه همت خود قرار داده اند. آنها در عرصه تاریخ ایران می تازند و در این تصور که گرد و خاک مرکب جوینشان حقیقت رامیوساند، تاریخ درخشان مردم شریف و دلاور این مرز و بوم را تحریف می کنند. آنهم تاریخی که خود این مردم فریادند و آنقدر هم در تشبیه و فرا زمان دور نیست که کسی بخاطرشیا ورد، یکوزیر انقلاب مشروطه میتازند، یکوزیر منکر آنچه بوده است می شوند، یکوزیر سپهر نپختنی که در نیمه قرن بیستم میلادی از ایران برخاست و با همه کم و کاستش جهان را متوجه خود ساخت، اینسرو نفرین می فرستند. غافل از آنکه انکار آنچه اتفاق افتاده یا نشانه نادانی و بیاهراس از آنها و در نتیجه تلاش برای نفی آنهاست.

از آن جمله است حمله به مصدق و نهفتن او و رهبریش نمود، آنهم به نام انقلاب اسلامی ایران، به عبارتی دیگر حمله به افتخاری از افتخارات ملت ایران بوسیله افتخار و بیروزی بزرگتر.

مسئله آهنگام بعدا جمع آ میز بقیه در صفحه ۲

بقیه در صفحه ۲

# عاملین دستگیری نمایندگان کارگران را مجازات کنید

## نامه سرگشاده «هیئت مؤسس کنفدراسیون کارگران ایران» به دادستانی انقلاب

دادستان محترم دادگاههای انقلاب اسلامی  
محترما

در تاریخ چهارشنبه ۱۹/۶/۵۹ در ساعت بعد از ظهر جلسه ای از کارگران و نمایندگان نشان در تبریز با طریح و تبادل نظر حول مسائل کارگری و سود ویژه برگزار گردید. در این جلسه بیش از ۱۵۰ نفر از کارگران و نمایندگان شوراها و سندیکاها حضور داشتند. در ضمن از ابتدای جلسه تعدادی از افراد کمیته ما شرکت داشتند و در آخر جلسه تحت عنوان اینکه شما اجازه نگرفته اید، دبیر کنفدراسیون آقای داد و تقوای و چند نماینده کارگران دستگیر و به کمیته میبرند و بعد از بازداشت آنها بقیه ضامنات شب آزاد میگردند و صبح فردا بعد از دگانه انقلاب مراجع میکنند و بعلت تعطیلی دادگاه در روز پنجشنبه و جمعه اکنون ۴۸ ساعت است که در زندان بسر میبرند و از وضع آنها اطلاعی در دست نیست لاجرم ما در ورست که هیئت مؤسس کنفدراسیون کارگران ایران تشکیل داتی است منعی - سیاسی که بعد از برگزاری کنگره خود در کار به نیت رسیده که منشور و اساسنامه و تأییدیه وزارت کار رضیمه است. طبق اساسنامه هیئت مؤسس موظف است سالی یکبار کنگره خود را برگزار نماید. جلسه اخیر در تبریز برای تدارک کنگره و حل مشکلات کارگران از جمله سود ویژه بوده است.

بقیه در صفحه ۶

این یک نظر روشن و دقیق است که شما تحت عنوان حمله به عده ای دیگر آنرا میکوبید. اما نظریه شما که میگوید اگر محاکمه نکنیم انقلابی نیست و اگر محاکمه نکنیم انقلابی است و تا زه محاکمه هم مربوط به این گروهها نیست بلکه محاکمه آمریکا است، در واقع هنوز راجع به خود گروهها آنها مسئله بر سر آنهاست چیزی نگفته اید. این حرف شما ظاهرآ بده خبلی بسر معنی باشد اما در واقع نشانند انکار می آید. منتهی شما اسم اینرا حرکت از موضع مسلط گذاشته اید. با بدبیر سید مسلط به که؟ مسلط به گروهها یا مسلط به آمریکا؟ اگر منظور تان گروهها یا باشد البته این موضعی مسلط است ولی اگر منظور تان مسلط به آمریکا باشد یا بدبیر سید مسئله یادادید سر خودتان را آکلاه میگذاردید و یا میخواستید بقیه را شیره بماند. شما با این حرفها پتان دادید این عقیده را بخورد مردم میدیدند که سرمداران کاخ سفید آنقدر برای گروهها و آمریکا بی ارزش قائلند که با در دست داشتن آن، در موضع مسلط قرار میگیریم. شما با این حرفها پتان دل مردم را خوش میکنید.

مگر تسلط آمریکا بر کشور ما بعلت داشتن تعدادی زندانی ایرانی در آمریکا بود که حالا اگر شما اینکار را بکنید در موضع مسلط قرار میگیرید؟ اینها در واقع خزعبلات است و برای سرگرمی و شب چره خوبست و نه چیز دیگر. شما باید بگوئید گروهها آنها را محاکمه یا بیکرد و هر چه دادگاه رای داد در باره شان اجرا کرد یا گروهها آنها را محاکمه یا بیکرد تا آمریکا را آفتا کرد و آنها را آزاد کرد. یا آنها را محاکمه کرد، هم آمریکا را آفتا کرد و هم آنها را در دادگاه در باره گروهها را هارادریا رهشان اجرا کرد. در این صورت میتوانید ادعا کنید حرفی برای زندان دارید.

بنا بر این این قبیل وقایع محاکمه گروهها در زیر پوشش "اممام میگوید" هم حقه بازی است و هم چیزی را نگفتن.

اما نظردوم مخالف رئیس مجلس شورای اسلامی میگویند.

آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با خبرنگاری یارس و در جواب سوال "آیا شرایط مجلس برای آزادی گروههای آمریکا بی همانها بی خواهد بود که ما گفتند"، پاسخ میدهد "یقینا بیشتر است. اما مهمه شرایط را نگفته اند. اما منظور مختصرا اشاره کرده اند. حداقل چیزی که قابل گذشت نیست، آمریکا باید سیاست گذشته خود را در ایران محکوم کند و چیزهای دیگری هم ممکن است. اما ما نخواستند همه شرایط را بگویند یک چیزهایی بنظرشان آمده است بلافاصله گفته اند".

بر این نظر سئوالهای زیادی وارد است که در باره هر کدام میتوان بحث طولانی کرد.

۱ - آقای هاشمی رفسنجانی از کجا میداند در شرایط مجلس بیشتر است؟ مگر از قبل میداند که تصمیمات مجلس چه میباشند؟ از کجا میداند که مجلس همان چهار شرط امام را نمیگذارد و حتما شرایط دیگری را اضافه خواهد کرد؟ مگر نه اینکه بر طبق قانون اساسی نمایندگان مجلس مستقلا و با پیروی از مشی عمومی انقلاب و وجدان خویش و خواست مردم نظرات خود را فرموله میکنند؟ ولی چگونه رئیس مجلس از قبل میداند که آنها چه خواهند گفت و چه خواهند کرد؟ ایشان حداقل میتوانستند بگویند آن دسته از نمایندگان که با هم قول مشترک دادیم اینگونه قرار است عمل کنیم. اما هنگامیکه اینطور محکوم میگویند نظر مجلس چنان وفلان خواهد بود، این حالت فعال ما پشاه بودن شما را نسبت به مجلس نشان میدهد.

۲ - ایشان میگویند ما منظور مختصر به شرط اشاره کرده اند و حداقل چیزی که قابل گذشت نیست آمریکا باید سیاست گذشته خود را در ایران محکوم کند. خوب اگر ما منظور مختصر اشاره کرده اند معنی اش اینست که ایشان شروط را گفته اند، منتهی بطور اختصار، پس دیگر حداقل و حداکثر ندارد. اگر که خیر ایشان شرایطی را ذکر نکرده اند آنوقت دیگر معنی حرف شما اینست که شرایط ایشان نا کافی است. و نه تنها نا کافی است بلکه بنا بر معنی حرف شما حداقل هم کمتر است. زیرا حداقل بنظر شما محکوم کردن آمریکا توسط خودش است. بنا بر این موقعی که چهار شرط امام بنا بر حرف شما از حداقل هم کمتر است و یکی از حداقلها همان است که گفته اید میتوان نتیجه گرفت که پس شرایط اصلا بیدجیزهای دیگری باشند. ولی با بدبیر سید چه دلیل چهار شرط لازم ما همین حداقل شما را در بر ندارد؟ و در تانی فرض که آمریکا خودش خودش را محکوم کرد، مگر معتقدید "امریکا مقبولیتی ندارد که اگر خودش آنرا محکوم کند شق القمر خواهد شد و یا اگر خودش را محکوم کند دیگر دست از کارهای گذشته اش برخواهد داشت؟

۳ - آقای رفسنجانی میگویند "ما ما نخواستند همه شرایط را بگویند یک چیزهایی بنظرشان آمده است بلافاصله گفته اند".

اولا شرایطی را که ما مطرح کردندی پیام مبسوطان به ژانرسان بیت الحرام بود، پیامی که به سرانها در مغایرت با سیاست و همه مسلمین جهان را مخاطب قرار داده است و در واقع یک پیام رسمی است و نه اینکه "یک چیزهایی بنظرشان آمده است و بلافاصله گفته اند". یک چیزهایی بنظرشان آمده است بلافاصله گفته اند " که آقای رفسنجانی میگویند

بقیه در صفحه ۲

ارتش جمهوری تجا وز...  
از صفا اول



گروهیان یکم عباس مولائی

اما همه این خواب و خیالها بقدرت مقاومت ملت ایران و شهادت ارتش جمهوری اسلامی ایران نقش بر آب شده و می شود. اخبار جبهه جنگ در غرب کشور همه حاکی از آنست که ارتش ایران با از خود گذشتگی سربازان، درجه داران افسران و فرماندهان آن، مواضع اشغالی نظامیان بخت عراق را یکی پس از دیگری درهم می کوبند و آنها را پس میزنند. شوزا پیدا لومفی که در میان سربازان حافظ مرزهای ایران پا گرفته است را در هنگام حرکت ستونهای آنها بسوی جبهه شهادت و بیامردی می توان بروشنی مشاهده کرد.

عشق آنان بدفاع از ایران، آمادگی آنان برای شهادت در راه حفظ استقلال و تمامیت این میهن انقلابی آنچنان ترشنگ و هیبت انگیز است که یک درجه دار ارتش گروهیان یکم عباس مولائی از لشکر یک پیاده مرکز - بمحض رسیدن به یست ما موریست خود بلافاصله حتی بدون تعویض لباس در پشت توپ نشسته و هواپیمای میگ متجاوز دشمن را سرنگون میزند. هواپیمای میگ دیگری نیز توسط گروهیان دوم علی اکبر نظام دوست از همان لشکر سرنگون میشود.

ارتش ایران و ارتشیان غیرتمند و متعهد با شجاعت و رشادت و خردمندی خود نه تنها از خاک جمهوری اسلامی دفاع می کنند بلکه خواب و خیال صدام حسین را بهم می ریزند. شکست محتومی را که حکومت عراق متحمل خواهد شد، بدون شک و تردید وضع حکومت بعثی را ضعیف تر نموده و از هم اکنون می توان گفت که اسواچ اصلی انقلاب عراق بلند خواهد شد. ارتش ایران که روزی زیر - پنجه قهرورزم پهلوی کاری گش

فعالیت فزاینده...  
از صفا اول  
تهاجمی زرهی مستقر است و در نزدیکی مرزهای مشترک ایران و افغانستان نیز بخش مهمی از ارتش اشغالگرویس متحرک گشته است. اعتراضی نکرده و حتی ما نورنظامی نیروهای روسی در مرز ایران که در واقع تصرفین اشغال ایران بود را "امری عادی" و "بی خطر" تلقی نمودند. - در زمینه جاسوسی، فعالیت وسیع شبکه سرتا سری سازمان کاسگ - ب در ایران برکسی پوشیده نیست فعالیت ها هوا ره های جاسوسی "کاسوس" بر فراز ایران که بطور دائمی سر تا سر ایران را زیر نظر

ارگان حزب رنجبران ایران

مردم حق دارند...  
از صفا اول

سختی ها را کم و بیش می شناختند و با آگاهی بان انقلاب را برگزیدند. و انقلاب کردند و بی هراس از این همه مصائب، با دلی امیدوار در راه انقلاب گام نهادند. با پیروزی انقلاب نور امید که در دلها میبید فروزتر شد. دلها گرمتر شد. مردم کار فوق العاده ای انجام داده بودند. یک نظام ۲۵۰۰ ساله را بزباله دان تاریخ فرستاده بودند و زمام امور را بدست حکومتی جدیدی با راهی روشن و خدشها ناپذیر دادند.

اما امروز بخش بزرگی از همان مردم ناراضی اند و دل سرد، از وضع نابسامان زندگی شان رنج می - برند. سختی ها کم نشده که زیاد تر شده. بعضی جوانب املا نشان نمیدهد که در کشور انقلاب شده، فشار زیاد روی گروه مردم میاید. حکومت جدید نتوانست انتظارات مردم را از انقلاب برآورده سازد.

حاکمین نتوانسته اند مسائل اقتصادی جا معه را حل کنند، حتی گشایی هم در کار پیدا رنیا سده بیگاری هر روز دانه ها شگرت شده میشود، مدها هزار کارگر بیکار رند و وسیله های برای تامین معاش ندارند، هنوز دهقانان دسته دسته بدنبال - کار روزندگی بهتر به شهرها روی میاورند و به خیل عظیم بیگاران اضافه میشوند، سرگردان و بدون آینده.

تنها بیگاری نیست، اخراج هم هست، اخراج ظالمانه کارگران اخراج غیر قانونی کارمندان، اخراج اقتصاد دیما را، بیگاری آورده و روحیات پس مانده دوره شاه را اخراج اخراج بدلیل طرز تفکر، اخراج بخاطر اعتراض به وضع، اخراج بدلیل غرض ورزی و انتقام جویی اخراج متکی بر پیرونده سازی، مصادف اخراج به خاطر "مافاسازی"، مصادف سازی جاده برای حاکمیت مطلقه، و رفع و رجوع "حکامین". آنها هم که بیگاری نشده اند، زندگیشان سخت تر شده، دستمزدها پائین آمده، سود و بهره لغو شده، مزایای کارمندان کسر شده - می - گویند ما لیاقتها هم فاقه میشود. آنها در چه شرایطی، شرایطی که گران بیاید میکنند. بیگاری از رزاق کمیا شده، مسکن کسیدنها زیاد شده... شرایطی که زندگی را از هر لحاظ مشکل تر کرده است.

تحقیر میشوند، حقوق اجتماعیشان مورد تعرض واقع میشود، زنسان زحمتکش شدیدترین مظالم را تحمل میکنند.

حقوق اقلیت های ملی و مذهبی نادیده گرفته میشود، و شرایط سختی بآنها تحمیل میشود... وضع مسکن با افتخار کشیده شده چندین مؤسسه را ز زمین - در آورده اند، هزاران وعده و وعید داده شده اما کوچکترین تا ثیری در مشکل مسکن نداشته. وضع بهداشت خرابتر از سابق شدم - دکترها از کشور میروند، دارو نیست، کمیاب و گران است، وضع بیمه ر - ستانها نا هنجار است، بیمه باز نشگی و... همه اینها هنوز در سطح وضع سابق است.

از لحاظ فرهنگی مردم تحت فشار رند، هنر تعطیل شده، علاقه به آداب و رسوم ملی منع میشود ملی گرایی و وطن پرستی جرم شده است. هرج و مرج سیاسی رایج است امنیت از هر نظر موجود نیست. تعرض به قانون رایج است، آزادیها محدود و خدشه دار میشود. حقوق اجتماعی روی کارنده خیراز شکنجه میدهند، بگیر و ببند بی رویه محکومیت ها و حتی اعدام های بدون ضابطه.

مردم حق دارند معترضی و ناراضی باشند همه اینها دلایل ناراضی مردم است. مردم از انقلاب انتظارهای بی جایی نداشته و ندارند. اما بعد از دو سال این وضع نابسامان، زمین تا آسمان با تصور و آرزوهای مردم تفاوت دارد. وقتی که انقلاب شد، رهبر انقلاب قبل از هر چیز راجع به زاعه نشین ها و محرومین، آب و برق، طبقات محروم و مستضعف و... رهنمود داد و خواستار تغییر و تحول در وضع زندگی مردم شد. آیا این راه طی شده اجرای آن گفته ها و دستورات است؟ بر آوردن خواست و نیازهای مردم در راه ما موریده است؟ امروزه حتی آب و برق و صحبت از محرومین ها و خواستار رفع آنها غیر مکتبی هم شده است و بعضی ها اصطلاحشان به این مسائل بددهکار نیست.

مردم ایران از حاکمین ناراضی اند و به وضع حاضر اعتراضی دارند. اما امیدشان را از دست نداده اند، مردم میدانند مبارزهای که در جریان است به زندگی و آینه شده آنها بستگی دارد و فعلا لانه در این مبارزه شرکت میکنند تا نگذارند انقلاب بکجرا هبرود. اگر انقلاب نشو اندخوا ستیهای مردم را بر آورده سازد و ربه انحطاط خواهد رفت.

اخبار نیروهای سیاسی

آرمان ملت:

سلب اختیارات رئیس جمهور، بی اعتبار شناختن رای ملت و به هم ریختن ساخت سیاسی کشور است

"قانون اساسی ایران، ساخت سیاسی ایران را بر اساس قاعده تفویض مطلق پارلمان تعیین نموده و برای رئیس جمهور که انتخاب شده از سوی ملت میباشد مسئولیت های اساسی و سنگینی قائل شده است. قانون اساسی ایران، از یک نظام حقوقی خاصی پیروی کرده است که آن را "نظام اختیارات" نام داده اند... سبب اختیارات رئیس جمهور، بی اعتبار شناختن رای ملت و به هم ریختن ساخت سیاسی کشور است.

آرمان ملت، سبب اختیاراتی است که طبق قانون اساسی به شخص رئیس جمهور برای انجام وظایف و مسئولیتهای محوله داده شده است. مقاله، نفی این اختیارات را ناموجه و نامعقول و مغایر با مفهوم قانون اساسی دانسته و خواستار حق تصمیم گیری برای ریاست جمهوری در این مقوله، اختیار است. بر قوه مجریه شده است. مقاله با این مقدمه شروع می کند که: "رئیس سیاسی کشور، برگرد این محور می - چرخد که ریاست جمهوری را از دخالت اثر گذارنده در اداره کارها بر کنار دارد" و "از همه گفتارها و نوشتارها، شیوه های عملگر دگار بدستان، این نکته آشکار است که همه قدرت اجرایی را می خواهند به نخست وزیر و هیئت وزیران برگزیده نمایندگان ملت بسپارند. و رئیس جمهور در این میان به هیچ گونه تصمیم گیری دست نزنند و به این اکتفاء نماید که خواستهای مجلس را به صورت حکم های اجرایی تنظیم و ابلاغ کند.

مقاله می افزاید: "آشکارا این روند نه درست است و نه قانونی و نه سودمند به حال کشور" و "بدور داشتن ریاست جمهوری از هر تصمیم گیری و بدل ساختن آن به یک مقام تشریفاتی بی اثر با منطق و مفهوم قانون اساسی و با ساخت سیاسی کشور تطبیق ندارد." مقاله توضیح میدهد که: "منطق قانون اساسی برای رئیس جمهور وظیفه هائی بر شمرده و وی را در برابر ملت مسئول شناخته است و به طور طبیعی انجام وظیفه بدون بهره مندی از اختیار متناسب با آن میسر نمی باشد و اگر پذیرفته شود که رئیس جمهور مسئولیتی در کار اداره کشور دارد باید حق تصمیم گیری و قدرت اجرایی هم در تناسب با آن مسئولیت به وی تفویض گردد. مقاله، سبب با ذکر مفاد اصول مختلف قانون اساسی، که مسئولیتهای مختلف رئیس جمهور در زمینه "مسئله اختیارات" نظیر گرفته شود، نخست زاعه هفتاد و نه



روستائیان زحمتکش «بوالعرض» و رامین

بجای تبلیغات تو خالی، عمل کنید

کارگران روغن ورامین می خواهند ۴۴ ساعت در هفته کار کنند، نه بیشتر

در هفته کار کنید، بعد از کشمکش های زیاد کارگران با اکراه قبول کردند که ساعت اضافی را با ۳۵ درصد اضافه حقوق کار کنند. منتها اگر اجبار و تهدید و به اخراج نباشد کارگران ۳۵ درصد را نخواهند و میخواهند ۴۴ ساعت در هفته کار کنند. البته خواسته های دیگری مثل خواربار، مسکن، سود ویژه و... نیز مطرح شد.

س: درباره این خواسته ها مدیریت کارخانه چه میگوید؟  
ج: برای مسکن ماهی ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان به هر کس میدهند و با اینکه چندین سال است به کارخانه فشار میاوریم که سرپناهی برای ما تهیه کند هر بار به بهانه های شانه خالی کرده است. در مورد سود ویژه هم فعلا معلق کرده اند و میگویند ما هنوز هیچ حکمی از دولت در این مورد دربارت نگرفته ایم و از سود ویژه هم خبری نیست. باید بگوییم از بعد از انقلاب به غیر از مقداری اضافه حقوق، که تازه آن هم متنا سب با بالارفتن هزینه زندگی نیست این کارخانه هیچ مسئله رفاهی کارگران را حل نکرده است.

کارفرما کارگران مبارز قدیمی را باز نشسته کرد

س: آیا کارگران این کارخانه دارای تشکیلات کارگری و پیما نماینده ای هستند؟  
ج: ۱۲۰ نفر کارگران این کارخانه بعد از انقلاب شورایی بوجود آوردند اما با دسیسه های مختلف کارفرما این شورا بهم خورد. همه کارگران فقط یک نماینده دارند که آنمخلف با اعضاست.

خبری داشتیم مبنی بر اینکه در هفته گذشته عده ای از کارگران روغن ورامین دست به اعتراض گسترده ای زدند و از مسئولین و مدیریت کارخانه خواست رسیدگی به خواسته های خود شده اند. بر همین اساس بر آن شدیم که با یکی از کارگران این کارخانه که دارای سابقه طولانی کار و مبارزه است به گفتگویی بنشینیم:

س: لطفا قدری درباره وضع خود و کارخانه تان ما را در جریان بگذارید.  
ج: من از ۲۰ سال پیش در این کارخانه کار میکنم و از قدیمی ترین کارگران هستم. بعد از اینکه زحمت کشیدن در این کارخانه هنوز یک خانه محقر هم ندارم و باید با بت کرایه ماهی ۸۵۰ تومان بپردازم. این کارخانه را ۱۲ سال پیش دولت سابق از القانیا و شرکایش خرید اما باید بگویم که از نظروضع در آمد و مسائل رفاهی کارگران چه در دولت سابق و چه در این دولت وضع این کارخانه در مقیاس با کارخانه های خصوصی بدتر است.

اضافه حقوق دوران شریف امامی را کم می کنند

س: علت مهم اعتراض شما به دستمزدها بیتان چیست؟  
ج: علت همان است که گفتم یعنی پانزده سال بودن دستمزدها نسبت به کارخانه های دیگر. مثلاً ما با ۲۰ سال کار روزی ۱۱۷ تومان مزد میگیریم که ۲۷ تومان آن با بت بیمه و مالیات کم میشود و فقط روزی ۹۰ تومان دستم را میگیرد. در ۲۰ سال پیش با روزی ۶ تومان مزد شروع میکردم که حدود ۱۳۰۰ تومان بود.

ما اهالی روستای بوالعرض از منطقه ورامین هفت فرسخی تهران، فرمان امام خمینی با شورش فراوان و با تحمل مشقت زیاد دست به کار شده ایم تا بتوانیم تولید را افزایش دهیم و مملکت ما را از خارجی بی داشته ایم که جهاد سازندگی و ادوات مختلف به ما کمک کنند و به مشکلات ما برسند. متأسفانه در مراجعات مکرر ما، آقای مهندس برزویی رئیس جهاد سازندگی ورامین و نیز اداره بهداشتی و بهزیستی ورامین هیچ دردی را از ما ندانند. آیا در جمهوری اسلامی باید تبلیغ با شدی عمل؟

ما اکنون دو سال است که درگیر تامین آب آشامیدنی ده هستیم ولی مسئولین جهاد اداره بهداشتی و بهزیستی تا بحال این موضوع را پشت گوش انداخته اند.

ما از حدود ۵ ماه پیش آب کشاورزی را که در کنترل جهاد است بجای ساعتی ۱۰ تومان ساعتی ۴۰ الی ۵۰ تومان از جهاد میخریم، در صورتیکه آب آشامیدنی عمدتاً از آب قنات تامین میشود و موتور مورد استفاده هم مجانی است.

ما حمام مخروبه ای داریم که قابل استفاده نیست و برای حمام رفتن، اهالی ده باید به ما مزاد جعفری یعنی شش کیلومتری روستا بروند.

ما هنوز نه برق داریم و نه مدرسه ای که فرزندانمان بتوانند سواد متوسط یا دبیرندونه مسجد مناسبتی که بتوانیم به عبادت و انجام فرائض اسلامی مشغول شویم. ما اهالی روستای بوالعرض

ده به قطعات بزرگ ۷۰-۸۰ هکتاری تقسیم شده و در دست یکی دوزمیندار روستای مجاور است. روستائیان برای تامین زندگی مجبورند از زمین زمینداران بزرگ، زمین ده خود را اجاره کنند. روستائیان میگویند: "پس از کلی بدبختی و بیچارگی و مراقبت از زمین و دادن پول آب و کود و... آخر هم خرج دررفته چیزی دست ما را نمیگیرد، جز نان بخور و نمیری که فقط می توانیم شکم بچه ها پیمان راسیر کنیم".

هیئت هفت نفره تقسیم زمین هم تا کنون برای روستائیان بوالعرض کاری انجام نداده است که میدوارشان کند.

جهاد سازندگی

روستائیان بوالعرض میگویند با آنکه جهاد سازندگی در روستاهای اطراف کارهایی برای اهالی آنجا انجام داده ولی نگاه روستای ما را فراموش کرده اند. یکبار برای چیدن گندم ما آمدن دولتی با نذازه کافی کمک نشد چون بنا به فرمان امام خمینی سطح زیر کشت گندم را دورا بر کردیم. بدینجهت هنوز چندین هکتار زمین روی دستمان مانده و زراعت در خطر نابودی است. به تازگی هم پس از مراجعات مکرر، جهاد همراه با کمک مردم اقدام به شن ریزی کوچه های روستا کرده است.

آقای مرتضی شیبانی رئیس شورای ده میگوید: ما برای آنکه بچه ها پیمان مجبور نباشند برای رفتن به مدرسه را همتای ۶ کیلومتر را در گل ولای زمستان پیاده بسازیم

روستای بوالعرض از توابع اما مزاده جعفر در ۱۵ کیلومتری ورامین قرار دارد. در حال حاضر، این روستا ۴۰ خانوار دارد که به گفته اهالی قبلاً ۱۵۰ خانوار سکنه داشته ولی بر اثر مشکلات موجود در روستا اکثر آنها به تهران یا شهرهای دیگر کوچ کرده اند. خانه های مخروبه و متروکه در ده حکایت از افول این روستای سرسبز در زمان طاغوت می کنند.

متأسفانه با آنکه نظر مسئولین امرا حیات این روستا، بوجود آوردن امکانات کشاورزی و رفاهی و تشویق روستائیان به بازگشت از شهر بوده ولی پس از انقلاب نیز به علت شرایط فوق العاده سخت روستا و رسیدگی نکردن به وضع زحمتکشان، کوچ روستائیان ادامه داشته است. بطوریکه هم اکنون ۲ خانوار دیگر نیز خود را برای کوچ کردن به ورامین آماده میکنند.

مشکلات زحمتکشان روستای بوالعرض

مشکل اصلی و عمده روستائیان زحمتکش بوالعرض مسئله آب و برق است. برق را تا ۲-۳ کیلومتری این روستا یعنی به روستاهای محمدآباد و جعفرآباد آورده اند. گفته میشود که به این روستا هم در سال جاری برق خواهند داد. اما در مورد آب داستان نشان شنیدنی است. در زمان طاغوت برای زدن چاه و نصب موتورخانه و منبع آب ۲۵۰ هزار

از انقلاب پیما نگار اقدام به حفر یک چاه ۴۰-۵۰ متری کرد. مدتها لوله کشی روستا و نصب منبع و غیره طول کشید. روستائیان به گفته خودشان برای آب خون دل خوردند و با بست اینکار علییرغم بودجه تعیین شده "۵۰ تومان" پول جمع کردند. پس از اتمام کارها روستائیان سر وقت موتور و چاه میروند ولی چاه آب نمیدهد و مقداری که پیما نگار رکنده کم بوده است.

روستائیان ابتدا به اداره بهداشتی و بهداشتی (که اعتبار از طرف آن بوده) مراجعه می کنند ولی نتیجه ای نمیگیرند. سپس دست به دامان جهاد سزای زندگی "اما مزاده جعفر" و بدنبال آن ورامین میشوند. آنها هم پس از مدتتهای مدید سردواندن گفتند چون اینکار را اداره بهداشتی و بهداشتی انجام داده است ما نمی توانیم دخالت کنیم...

اکنون پس از ۱۷ ماه دوندگی هنوز که هنوز است روستائیان زحمتکش هر روز این منبع و موتورخانه را پیش چشم خود می بینند ولی مجبورند که از قلم حدود ۲ کیلومتری در شرایط سخت زمستان و گرمای طاقت فرسای تابستان، آب برای خورند بیاورند.

مسئله آب کشاورزی آنها هم دست کمی از آب آشامیدنی ندارد. آب مزارع آنها از روستای "میرآباد" می آید. پس از انقلاب جهاد سزای زندگی پمپ آنرا از اموال یکسانی از طاغوتیان مصادره کرده و آب هم از قنات جاری خود روستا تا مین میشود. با اینحال بجای آنکه جهاد سزای زندگی آب را ساعتی ۱۰-۲۰ تومان (عرف معمول ناحیه) به کشاورزان بدهد یکبار هر ۵ ماه پیش نرخ آنرا به ساعتی ۴۰-۵۰ تومان افزایش داد با وضع مالی بدی که روستائیان دارند و با توجه باینکه پول آب به هیچوجه صرف امور عمرانی ده نمیشود روستائیان اینکار را ناخواسته و ناچار و جفاف در حق خود میدادند.

### وضعیت زمین در این روستا

روستائیان بوالعرض اکثر آرزو ۲۵ هکتار زمینهای ده سهمی ندارند. اگر زمینداری پیدا شود، ۴-۶ هکتار زمین دارد. اکثر زمینهای

اداره آموزش و پرورش کمک کند و مدرسه ای بسازیم و زمینش را ما بدهیم. به جهاد گفتیم که یک بولدوزر بماند و ده خانه های متروکه ای را که از شاخص کوچ کرده بجای مانده صاف کنیم تا هم بتوانیم برای بچه ها یمان مدرسه بسازیم و هم اینکه حالت مردگی ده زمین بولدوزر را جهاد از ما خواست تا پول بولدوزر را خودمان بدهیم. خوب ما اگر داشتیم پیش آنها نمی رفتیم! برای همین شن ریزی کوچها هم ۵ تومان، ۵۰ تومان از مردم جمع کردیم تا پول گرابه لودر را بدهیم. اگر جهاد برای برداشت گندم هم با کمک نکند محصول از بین می رود.

### حمام و مسجد

روستائیان از نداشتن حمام و مسجد هم در مضیقه هستند. آنها مجبورند ۶ کیلومتر راه تا اما مزاده جعفر بروند تا به حمام برسند که با توجه به راه نا جور و پر گرد و خاک، پس از برگشتن از حمام هیچ فرقی با گذشته ندارند و همچنان گرد و خاکی هستند. مسجد هم متعلق به چندین سال پیش و تقریباً مخروبه است. از در مان نگاه هم که اصولاً نباید صحبتی کرد.

آقای مرتضی شیبانی رئیس شورای ده میگوید: "این ده ۲۵۰ هکتار زمین حاصلخیز دارد که اگر آب به آن برسد مرغوبترین و پربارترین محصولات را میدهد. آمده اند و در حدود ۴۰۰ هزار تومان پول بیت المال و ما را صرف چاه و لوله کشی کرده اند ولی هیچ استفاده ای از آن نمیشود. چرا مسئولین به فکر ما نیستند؟ چرا نمی آیند و این چاه را راه نمیندازند تا از این سرمایه استفاده کنیم؟ مگر آنها نمیگویند که ما برای روستائیان کار می کنیم، پس چرا عمل نمی کنند؟ در جمهوری اسلامی مسئولین باید عمل کنند نه تبلیغ.

اهالی ده شکوائیه ای به جهاد سازندگی مرکز در مورد آب آشامیدنی نوشته اند که در زیر ملاحظه میکنید.

۱۳ شهریور ۱۳۵۹  
بسم الله الرحمن الرحيم  
دفتر جهاد سزای زندگی مرکز  
با احترام معروض میداریم:

که به دور امین به سرپرستی آقای مهندس برزوئی دستور بدهند که به خصوص مشکل آب آشامیدنی ما را هر چه زودتر حل کنند و با کاغذ بازی و وعده و وعید ما را مشغول نکنند. امیدواریم که ما دهقانان را که همواره در راه انقلاب اسلامی ورهبر عالی قدرمان امام خمینی مجاهدت کرده ایم بیاری کنید تا بتوانیم وظیفه اسلامی و انقلابی خود را بهتر انجام دهیم.

از طرف اهالی روستای بوالعرض  
رئیس شورای ده  
مرتضی شیبانی

رونوشت به: دفتر رئیس جمهوری، دفتر نخست وزیر، دفتر جهاد سزای سزای، روزنامه های کشور.

### مسئولان باید عمل کنند

ما پیروزی انقلاب را مدیون شرکت وسیع توده های زحمتکش بویژه کارگران و دهقانان هستیم. زحمتکشان ما پس از ۱۸ ماهه که از پیروزی انقلاب می گذرد، بحق انتظار دارند که مسائل و مشکلاتشان حل شود. آنها انتظار ندارند که ما مانند گذشته مسئولین امر آنها را با زیجه و وسیله تبلیغ و قدرت طلبی قرار دهند. مسئولین امر باید بدانند که تا مسائل رفاهی زحمتکشان و عدالت اجتماعی آنان تا میسر نگردد و برنامهمشخصی در این خصوص موجود نباشد، روستائیان که پس از انقلاب، برای تولید بیشتر و خودکفا شدن، به روستاها بازگشته بودند، اجباراً دوباره به شهرها سرازیر خواهند شد.

بدون شرکت وسیع زحمتکشان خصوصاً کارگران و دهقانان در امر احیای انقلاب، حتماً کار مبارزه ضد امپریالیستی ما در جهت بدست آوردن استقلال اقتصادی و خودکفائی با شکست مواجه خواهد شد، چرا که این زحمتکشانی که با تولید و کار خودکفا را از خارجی بی نیاز میکنند. فعالیت هر چه وسیعتر جهاد سازندگی در روستاهای کشور میتواند

از انقلاب و در دوران شریف امامی مقدار ۲۵۰ تومان به حقوقهای ما اضافه کردند و حالا میگویند که ما باید آن اضافه حقوقهای دوران شریف امامی را پس بدهیم. برای این کار هم بوسیله های مختلف عمل می کنند مثلاً روغن ۵ کیلویی را که در اوایل سال ۵۸ با ما ۲۶ تومان حساب میکردند حالا با بن ۵۹ تومان میگیرند و با اینکه سهمیه خوابار ما را کم کرده اند، بجای خوابار هم هیچ پولی نمیدهند و خود همین خوابار یکی از خواسته های ما در اعتراض روز چهارشنبه گذشته بود.

### ۴۴ ساعت نه بیشتر

س: اعتراض شما در روز چهارشنبه در درجه اول برای چه بوده است؟

ج: اعتراض ما در درجه اول بخاطر ساعات کار بوده است. کارگران میگفتند که ما بیشتر از ۴۴ ساعت در هفته کار نمیکنیم و مدیون کارخانه ها این که تولید ما خوراکی است میگفت با ۴۸ ساعت

کمکی برای بعضی از مسائل روستائیان باشد و جهاد هم در طول یکسال و چند ماه گذشته بدین امر پرداخته است، منتهی چنانکه از سخنان روستائیان بوالعرض و نمونه روستاهای دیگر برمی آید جهاد هم در تبدیل به یک جریان اداره بازی، کاغذ بازی و تبعیض گذاری بین روستائیان و روستاها میشود. مشکلات و کمبودهای روستایی بوالعرض نمونه کوچکی از مشکلات روستائیان سراسر کشور است. در مدل

کار فرما کناره ها است. ما از چند ماه قبل قصد داشتیم و نفرات کارگران با سابقه و دل سوز را برای نمایندگی انتخاب کنیم. این دونفر آقای گروسی با ۲۸ سال و نیم سابقه کار و آقای حاجی قدمی با ۲۹ سال سابقه کار بودند. اما کار فرما که با خبر شده بود دست به توطئه ای زد و ما بقی موعدها ز نشستگی آنها را به بیمه پرداخت و با لاجب آنها را با زنیشته کرد، تا بدین وسیله دیگر نتوانیم نمایندگانشان فعال و دل سوزی داشته باشیم.

کارگر زحمتکش در مدل زیادی دارد و فریادهای بلند میسر مسئولین و مدیران. چهره ها عکاسی از سالهای رنج و ستم دارد. سراپا شورا است و اعتراض. هر چه باشد او از پیشروترین و آگاهترین کارگران قدیمی کارخانه است. به فکر فروریرو دو میگوید: "میدانید آقای اینجوری نمیشه، باید یک فکر اساسی کرد و اول از همه باید این نماینده بی عرضه را کنار زد و آدمهای فعال و مدافع کارگران انتخاب کرد و اگر نه سرمان همیشه بی کلاه میماند."

روستائیان نشان میدهند که برای احیای انقلاب، ضروریست و باید به خواسته های آنها فوراً رسیدگی شود تا آنان با خیال راحت در جهت احیای انقلاب حرکت کرده و به استقلال کشور خدمت کنند. ما هم ما نند روستائیان معتقدیم که مسئولان باید عمل کنند و برای خدمت به امر استقلال کشور، برنامهای صحیح و اهمیت فراوان به حل مسائل رفاهی زحمتکشان بپردازند.

## ما را در رفع مشکلات مالی یاری رسانید

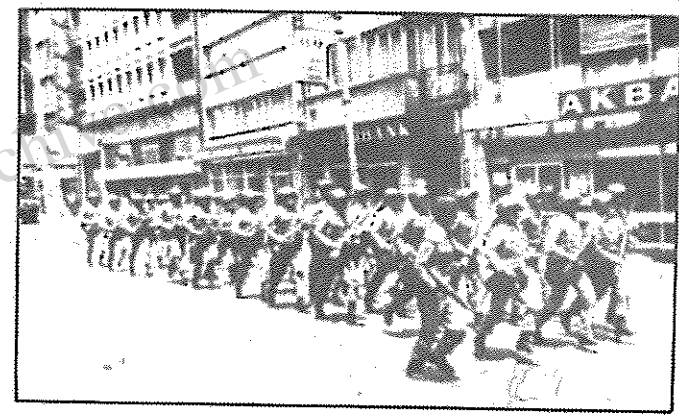
بازگشایی حساب بانکی ایران  
تهران - شعبه خیابان ایرانشهر  
شماره حساب ۲۵۳۶۸  
به حساب بانکی زیر  
واریز نمائید:

# ترکیه: از وابستگی اقتصادی تا کودتای نظامی

(قسمت اول)

اوضاع اقتصادی ترکیه قبل از کودتا

نقش دولت از رهبران کودتا در سازمان ضد چریکی ترکیه (کنترگویلا)



زُرنال کنان اورن

ارشد کودتاگر ترکیه در خیابانهای استانبول در روز کودتا (جمعه گذشته) و رهبران کودتاچیان زُرنال "کنان اورن"

بود؟ آیا آمریکا و طبقات حاکم ترکیه چه اهدافی از این کودتا دارند و غیره ....

ما در شماره ۱۰۱ "رنجبر" خطبای در مورد احزاب حاکم در ترکیه و میزان قدرت آنها در پارلمان نوشته ایم و متذکر شده ایم که هیچ کدام از این احزاب قادر نبودند در جهت مشکلات اساسی ترکیه و بویژه اوضاع نابسامان اقتصادی آن گام بگذارند و مجبور به سقوط شدند. در زیر به مروری بر اوضاع اقتصادی ترکیه میپردازیم:

## اوضاع اقتصادی ترکیه

ترکیه دارای یک اقتصاد در میانی و وابسته است. اقتصاد در میانی و وابسته ترکیه امروز ریشه در گذشته دارد و برای یک بررسی عمیق و علمی باید به تاریخ پرتلاطم این کشور و سیاستهای

چند رقمی درآمد ترکیه:

- \* یک نفر کشته در هر ساعت، ۲۵۴۱ قربانی، تروریسم، بی‌شمار زلزله ۱۴۱۵۲ مجروح و مصدوم، بیلان تروریسم در دو سال اخیر در ترکیه است.
- \* سه میلیون بیکار، ترک ۲۰٪ نیروی فعال کار آنها را تشکیل میدهند
- \* تورم بین ۷۰ تا ۹۰ درصد اقتصاد ترکیه را فلج کرده است.
- \* وام خارجی ترکیه ۲۰ میلیون دلار است که برابری برست با ۵۸ درصد درآمد ملی.
- \* کسری بیلان تجاری ترکیه ۴ میلیارد دلار در سال میباشد.
- \* لیر ترک در مقادیر ۹۱/۶ درصد در مقابل پسه دلار تنزل کرده است.
- \* در استان نیول که جمعیت آن در عرض سال اخیر ۵ برابر شده نیمی از بیکاران ترکیه یعنی ۱/۵ میلیون نفر، زندگی میکنند که اکثر آنها از مهاجرین روستایی هستند.

قادر نخواهد بود کسری ارزی راجبران نماید و تا زمانیکه این مناسبات در ترکیه حاکم است امکان چنین چیزی نیست. در چنین شرایطی است که طبقات حاکم فقط برای سروسامان دادن به وضع خود به گرفتن وامهای بیشتری از خارج مبادرت میکنند و مقایله امتیازات بیشتری برای غارت مجدد به آنها میدهند. بنا بر این وقتی که وامها قطع میشوند، دست و پای سلیمان دمییرلها و یساجوویتها در گل میماند. متأسفانه در حالیکه میزان افزایش وام به این کشور در یک دوره ۱۹۷۲-۱۹۵۰ سالانه ۹/۲ درصد بوده، در سال ۱۹۷۴ این سیل پول یکدفعه در حدود ۹۱/۵٪ بویژه از طرف امپریالیسم آمریکا قطع میشود و دیگر برای حاکمین امکانی نمی ماند.

استان بوسی روسیه که سالها در کمین نشسته بود و بهر ماه توطئه‌های غیر مستقیم از سیاست "دوستی" و حسن "همجواری" دم میزد، در ارزی کنندویک وام ۱۰ میلیون رول، به ترکیه میدهد. هیئت‌های اقتصادی ترکیه این بار به طرف شمال مسافرت میکنند و قرا را ده‌ها تجساری و اقتصادی بطور زنجیره‌وار از سال ۱۹۷۴ به بعد با روسیه بسته میشود. چه در دوره حکومت لشتاقی سلنت اجویت و نجم‌الدین ارباکان که از سال ۱۹۷۲ شروع بکار کردند و چه در سالهای بعد از آن که حکومت‌های اختلافی سلیمان دمییرل، نجم‌الدین ارباکان و آلپ ارسلان ترکش (در دوره) قرار دادهای سنگین دیگری از طرف روسیه به اقتصاد این کشور تحمیل شد. بویژه در اوایل سال ۱۹۷۴ که در نتیجه رشد

است به آمارهای که آقای وحیی کوچ سرما پیدا در معروف و صاحب "هولند بینک کوچ" که عظیم‌ترین کارخانجات و سرمایه‌گذاران ترکیه را در دست دارد توجه کنیم. طبق خبر روزنامه حریت مورخ ۱۲ اس ۱۹۸۰، وحیی کوچ در "سمنار" صرفه‌جویی انرژی میگوید: "کشور ما برای خرید نفت در سالهای قبل سالانه ۵۰۰ میلیون دلار میپرداخت که این رقم در پایان سال ۱۹۸۰ به ۳ میلیارد دلار میرسد. اگر افزایش قیمت نفت در همین سطح باقی بماند ترکیه با یک میلیارد دلار از زیرای خرید نفت ببرد از سوی ما افزایش مقدار ارز حاصله از صادرات در سال ۱۹۸۰ در حدود ۲ میلیارد دلار است. لگرمقدار ارز سالانه که توسط کارگران ترکیه در خارج (بیش از ۱ میلیون کارگر ترکیه در اروپا و





YAKARAK HYATLARI ATEŞ BAHASI

قیمت هیزم که فراوان ترین وسیله سوخت در ترکیه است، مردم را بوحشت انداخته.

امریکا کار می کنند ( و درآمدهای دیگر را در نظر بگیریم چیزی در حدود ۴/۵ - ۴ میلیون دلار خواهد شد. این سرمایه را با بسته معروف که بگونه ای می خواهد افزایش قیمت ها و کمبود مواد را محققانه جلوه دهد، میگوید گریبا با شد ۳ میلیارد دلار سالانه فقط برای خرید نفت بپردازیم و بر آن ۵۰۰ میلیون دلار هم بیافزایم، برای تأمین مواد خام دیگر صنعتی چگونه با بپردازیم و بکنیم و غیره...

این سرمایه را معروف که به همراه سرمایه داران وابسته دیگر مثل "اجا جی با شما ها" "سایا نجی ها"، "سایای دیلان ها (مدیرکل پیمان منطقه ای ر.س.د)، خالد نامرین ها (دبیرکنفدراسیون کار - فرمایان ترکیه) و وسوئال ها - چندتن دیگر که تمام سرمایه ترکیه را در دست گرفته اند و بعضا در دست دولت ترکیه را در دست دارند، در سالهای اول بحران بطلنت با لافتن قیمت ها بر شروت آنها افزوده شده بود، در سالهای اخیر به تکابومی افتد بعلت نفوذی که در رده های بالای ارتش دارند با اقدام نظامی میخواستند فشار هر چه بیشتر را برگردانده های محروم و زحمتکش وارد کنند، یعنی وقتی می بینند اقدامات پارلمان برای سفت تر کردن کمربند مردم بی تاثیر می ماند و در مقابل این غول گرانی و بیکاری جنبش های وسیع توده ای بی میخیزند بلافاصله تا ننگهای ارتش را وارد خیابانها میکنند. البته این یک دلیل و شاید عمده ترین دلیل وقوع کودتای اخیر باشد.

اما چگونه وضع اقتصادی ترکیه به این مرحله رسیده و سیاست های که از زمان کمال آتاترک در زمینه اقتصادی و تجارت خارجی تاکنون دنبال شده است مقلده دیگری است و اینکه جنبش های توده ای مردم و سازمانها و احزاب سوسیالیست دیگر ترکیه چگونه عمل میکنند و آیا آتایان چرا دلبران را با کسان نماینده واقعی مسلمانان ترکیه میباید شنیدند؟ مطالبی است که میگوئید در شما ره های آینده بدان بپردازیم.

رقابت های بین آمریکا و روسیه وجود آمدن مسئله قبرس، روسیه بعنوان یک آلترنا تیف در مقابل آمریکا و وعده های کمک نظامی نیز به حکومت بلنت اجویت و ازبا گان داد. حتی یکی از دلایلی که بلنت اجویت و نجم الدین ارباکان را برای فتح طبیعی و اشغال قبرس ترغیب نمود همین وعده های نظامی روسیه بود و هما نظر بریکه مجله "کتیله" (توده) یکی از ارگانهای وابسته به روسیه در ترکیه منتشر شده بود اولین هجوم نظامی ترکیه در اشغال قبرس به همراهی ۵۰۰۰۰۰ نفر از روسیه صورت میبگیرد (ما بررسی اوضاع سیاسی مسئله قبرس را به شما ره های آینده موقوف میکنیم).

کارخانه دولتی ترکیه در اشغال و یا لاینگ های "علی آقا" از میرومراکز و نیروگاه های برق و غیره در این سالها شروع میگردد و ذوب آهن اسکندرون توسط حکومت آتای سلیمان دمیرال افتتاح می شود و در این سالها ست که یخ های شمالی رو به آب شدن می نهند و مناسبات اقتصادی و حتی سیاسی از طرف این حکومتها با روسیه افزایش بیشتری می یابد. در سال ۱۹۷۸ که مجدداً حکومت بلنت اجویت بر سر کار میاید روابط بین روسیه و ترکیه شدت پیدا میکند که حتی با مسافرت بلنت اجویت به روسیه در این سال سندسیسی اقتصادی

بین روسیه و ترکیه با مضامیرسد، طبق این سند تجارت خارجی ترکیه با روسیه برای دوره های سه ساله بر تاهریزی میشود و روسیه ۱ میلیون تن نفت به ترکیه میدهد و تقبل میکند که در سالهای بعدی مقدار نفت صادراتی به ترکیه را به ۳ میلیون تن برساند. از سوی دیگر برکنگنایش قرار دهی تجارتی و تکنولوژیکی بیافزاید. مثلاً سالانه بر حجم مبادلات تجاری از روسیه به ترکیه ۲۰۰٪ افزایش یافت. بدین وسیله امتیاز استخراج معدن "ولفرام" ترکیه که یکی از عمده ترین و کمترین مواصلات برای هواپیما سازی میباید شد با قیمت بسیار نازل به روسیه پیش کش میشود.

اما برای روشن تر کردن بحران اقتصادی ترکیه خوب

## گرایش به روسیه در مقابل آمریکا

از طرف دیگر این حکومتها هم با است قروض گذشته را نیز می پردازند. در سال ۱۹۷۷ ترکیه توانست ۱۸۷ میلیون دلار از قسط قروض خود ۳۵۰ میلیون دلار نیز بپردازد و آنها را با میریبا لیستها بپردازد که بخش اعظمی از آنها مانده بود و بودجه قرضه را پرداخت نمود. به همین دلیل سران حکومت تقاضای به عقب انداختن قسط و آنها را از میریبا لیستها میگرداند. بنا بر این سرمایه امریکایی که از سال ۱۹۵۰ و از ترکیه میشود تاکنون مجال نفس کشیدن به آنها را نداشته است. اما از سال ۱۹۷۴ که آنها به ترکیه از طریق آمریکا قطع میشود در روابط میان حاکمین و امریکا تیرگی ایجاد میگردد، حکومت های ترکیه دست به

ترکیه مصرف یک ماهه این کشور را تا مین بنی کند. بنا بر این مجبورند که بیش از نیمی از ارز خود را برای خرید نفت اختصاص بدهند.

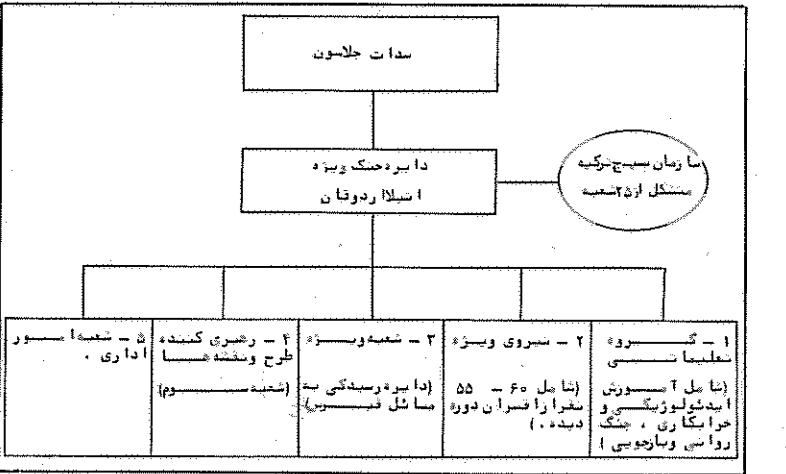
ارزش واردات ترکیه در سال ۱۹۷۷، پنج میلیارد و هشتصد میلیون دلار و ارزش صادرات آن در این سال در سطح یک میلیارد و ۷۵۰ میلیون دلار باقی مانده بود. یعنی بیش از ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار کسری ارزی داشت که میزان این کسری نسبت به سال ۱۹۷۶ در حدود ۲۲ درصد افزایش یافته بود. در صورتیکه میزان افزایش واردات در همین سال در حدود ۱۳٪ بوده است.

یک محاسبه دیگر نشان میدهد که افزایش قیمت اجناس خارجی لطمه زیادی به اقتصاد این کشور میزند. مثلاً مقدار افزایش قیمت و واردات در سال ۷۷ - ۱۹۷۲ در حدود ۵۲٪ بود که در همین مدت رقم افزایش قیمت های وارداتی به ۸۰٪ رسیده است. یعنی در سال ۱۹۷۲ در ازاء یک تن جنس وارداتی ۱۳۲ دلار پرداخت میشود. همین مقدار مال و ازاداتی در سال ۷۷ بقیه ۲۴۷ دلار یعنی در حدود ۲ برابر کمتر خریداری میشود.

وضع صادرات ترکیه در همین سال سیر نزولی داشته است. بطوری که ارزش صادرات در سال ۱۹۷۷ نسبت به سال گذشته ۶/۶ درصد کاهش یافته است. علاوه بر این برای خرید لوازم اولیه زندگی مثل قند، شکر، روغن بود در رختشویی و کلیه مواد سوختی با بدست آوردن در صفهای طویل به انتظار بمانند.

علاوه بر اینکه نیروی کار ارزان فروخته میشود، محصولات کشاورزی که در حدود ۳۲٪ بودجه سالانه کشور را تأمین مینماید نیز بقیه قیمت بسیار نا زلی خریداری میگردد. از طرف دیگر همین محصولات کشاورزی که عمده ترین مواد غذایی این کشور را تشکیل میدهد با قیمت های گزافی به مصرف کننده فروخته میشود. چیزی که از هر بیشتر در آنجا وجود دارد مقله بسیار سیاه است که یکی از مشخصات یک اقتصاد درمیش و وابسته می باشد.

طبقات حاکم برای حل این بحران اقتصادی که می رود شیرازه بیاید، تلاش فراوانی می کنند. جلسه ها، سمیناها و غیره برگزار می نمایند، هیئتهای متعدد خارجی میبایند و نسخه های متعددی برای معالجه این بیماری می بیچند اما به نتیجه ای نمی رسند، فقط در سال ۷۸ که چهار بار هیئتهای اقتصادی خارجی به این کشور آمده اند و خبردهی پاش کرده اند، حاصلش چهار ریالین آوردن ارزش پول در مقابل دلار بوده و بیس و آنجا که آتایان اجویت، دمیرال، ارباکان، ترکش، فیضی، انغلی و دیگران تحویل مردم داده اند است که با بهره رجه بیشتر کمترین بندها بیتان را سفت کنید و وعده های سرخرمن فراوان.



شما می فوق شکل سازماندهی "دا بهره جنگ ویژه" را نشان میدهد. رهبری آن از بالا بر عهده ژنرال سادات جلاسون یکی از رهبران کودتا است.

سادات جلاسون فرمانده کل ژاندارمری می باشد. لازم به تذکر است که ژنرال کنان اورن رهبر کودتا و ژنرال سادات جلاسون فرمانده کل ژاندارمری و عضو شورای امنیت ملی ترکیه از جمله سردمداران سازمان فدریکسی (کنترگرید) ترکیه می باشند. این سازمان که از طریق "دا بهره جنگ ویژه" ترکیه به ارتش این کشور وابسته است، توسط پنتاگون آمریکا تحت نام سازمان دفاع غیرنظامی و طبق یک اسلایف نظامی از پنتاگون از سال ۱۹۶۲ به طور رسمی در کلیه کشورهای عضو ناتو و حتی کشورهای که به آن کمسک می کنند، تأسیس شده و بطور غیررسمی فعالیت می کند. این سازمان ضد چریکی که متشکل از تعداد زیاد نظامی و غیرنظامی می باشد، طبق اسناد منتشر شده در ترکیه هدفش متشکل کردن افراد نظامی در شهرها و روستاها بوده که در موارد ضروری علیه نیروهای مبارز انقلابی ترکیه دست به اعمال تروریستی و اقدام به جنگ مسلحانه و یا حملات دستجمعی به مردم می زند.

طبق اسنادی که برای اولین بار در روزنامه آیدین لیک آرکان مستقل حزب کارگران و دهقانان ترکیه در سال ۱۹۷۸ منتشر شده است "دا بهره جنگ ویژه" از نظر سازمان بندی نظامی به ژاندارمری کل کشور وابسته بوده و رهبری آنرا ژنرال سادات جلاسون یکی از فرماندهان کودتای اخیر بر عهده دارد. از طرف دیگر با هم طبق اسناد در روزنامه آیدین لیک در همان سال شخص کنان اورن رئیس کل ارتش ترکیه که امروز رهبری کودتای این کشور را بر عهده دارد این سازمان نظارت داشته و در اعطای شماره ۱۹۴ مورخه ۲۱ فوریه ۱۹۷۸ که به تمام میگانهای ارتش صادر شده است وجود چنین سازمانی را اعتراف کرده است.

البته توضیح فعالیت های دامنه دار روسیه این سازمان جهتی و نقش آن در اعمال تروریستی ترکیه و وابستگی روابط با لپ ارسلان ترکش رهبر حزب حرکت ملی (حزب فاشیستی گرگهای خاکستری) که با کودتای اخیر چند روزی متواری شد و سپس خود را به کودتاگران معرفی کرده - در حوصله این نوشته نیست ولی همین مختصر میباید تا ماهیت رهبران این کودتا است.

اما به همراه بیوقوف پیوستن این کودتا در میان افکار عمومی مردم ما که دارای همبستگی عمیقی با توده های وسیع مردم و بیوزیر با زحمتکش ترکیه می باشد، در مورد دلایل کودتا سؤالات متعددی مطرح میشود. امروز این سؤال برای مردم ما و حتی مردم ترکیه مطرح است که ترکیه بکجا می رود؟ آیا این کودتا می تواند راه حلی برای معضلات ترکیه پیدا کند؟ و آیا عکس العمل مردم ترکیه در مقابل آن چگونه خواهد

سادات جلاسون فرمانده کل ژاندارمری می باشد. لازم به تذکر است که ژنرال کنان اورن رهبر کودتا و ژنرال سادات جلاسون فرمانده کل ژاندارمری و عضو شورای امنیت ملی ترکیه از جمله سردمداران سازمان فدریکسی (کنترگرید) ترکیه می باشند. این سازمان که از طریق "دا بهره جنگ ویژه" ترکیه به ارتش این کشور وابسته است، توسط پنتاگون آمریکا تحت نام سازمان دفاع غیرنظامی و طبق یک اسلایف نظامی از پنتاگون از سال ۱۹۶۲ به طور رسمی در کلیه کشورهای عضو ناتو و حتی کشورهای که به آن کمسک می کنند، تأسیس شده و بطور غیررسمی فعالیت می کند. این سازمان ضد چریکی که متشکل از تعداد زیاد نظامی و غیرنظامی می باشد، طبق اسناد منتشر شده در ترکیه هدفش متشکل کردن افراد نظامی در شهرها و روستاها بوده که در موارد ضروری علیه نیروهای مبارز انقلابی ترکیه دست به اعمال تروریستی و اقدام به جنگ مسلحانه و یا حملات دستجمعی به مردم می زند.

طبق اسنادی که برای اولین بار در روزنامه آیدین لیک آرکان مستقل حزب کارگران و دهقانان ترکیه در سال ۱۹۷۸ منتشر شده است "دا بهره جنگ ویژه" از نظر سازمان بندی نظامی به ژاندارمری کل کشور وابسته بوده و رهبری آنرا ژنرال سادات جلاسون یکی از فرماندهان کودتای اخیر بر عهده دارد. از طرف دیگر با هم طبق اسناد در روزنامه آیدین لیک در همان سال شخص کنان اورن رئیس کل ارتش ترکیه که امروز رهبری کودتای این کشور را بر عهده دارد این سازمان نظارت داشته و در اعطای شماره ۱۹۴ مورخه ۲۱ فوریه ۱۹۷۸ که به تمام میگانهای ارتش صادر شده است وجود چنین سازمانی را اعتراف کرده است.

البته توضیح فعالیت های دامنه دار روسیه این سازمان جهتی و نقش آن در اعمال تروریستی ترکیه و وابستگی روابط با لپ ارسلان ترکش رهبر حزب حرکت ملی (حزب فاشیستی گرگهای خاکستری) که با کودتای اخیر چند روزی متواری شد و سپس خود را به کودتاگران معرفی کرده - در حوصله این نوشته نیست ولی همین مختصر میباید تا ماهیت رهبران این کودتا است.

اما به همراه بیوقوف پیوستن این کودتا در میان افکار عمومی مردم ما که دارای همبستگی عمیقی با توده های وسیع مردم و بیوزیر با زحمتکش ترکیه می باشد، در مورد دلایل کودتا سؤالات متعددی مطرح میشود. امروز این سؤال برای مردم ما و حتی مردم ترکیه مطرح است که ترکیه بکجا می رود؟ آیا این کودتا می تواند راه حلی برای معضلات ترکیه پیدا کند؟ و آیا عکس العمل مردم ترکیه در مقابل آن چگونه خواهد

ساعات فوق شکل سازماندهی "دا بهره جنگ ویژه" را نشان میدهد. رهبری آن از بالا بر عهده ژنرال سادات جلاسون یکی از رهبران کودتا است.



# نامیبیا: مبارزه برای استقلال و رهائی از یوغ نژادپرستان افریقای جنوبی

## مبارزه مسلحانه تنها راه رسیدن به انتخابات آزاد در نامیبیا است

رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی، علیرغم صدور قطعنامه‌های مختلف از طرف سازمان ملل متحد و دادگاه‌های بین‌المللی و محکوم شدن از طرف اکثر کشورهای جهان و سازمان‌های بین‌المللی هنوز نامیبیا را در اشغال خود دارد. دادگاه‌های بین‌المللی که برای رسیدگی به مسئله نامیبیا تشکیل جلسه داده بود برای خود را چنین اعلام داشت: "اگر ما حضور آفریقای جنوبی غیرقانونی است، آفریقای جنوبی با بیستی دستگاه اداری خود را فوراً از نامیبیا خارج کند و بیست اشغال این سرزمین خاتمه دهد".

از ۱۹۶۶ و ۱۹۶۶ (چهار شهریور ۱۳۴۵) مردم نامیبیا تحت رهبری سازمان خلق جنوب غربی آفریقا (سواپو) مبارزه مسلحانه خود را علیه اشغالگران نژادپرست آفریقای جنوبی آغاز کرده و مصمم هستند تا استقلال کامل به مبارزه ادامه دهند.

شورای سازمان ملل متحد دربار نامیبیا در دوم شهریور ماه ۱۳۵۲ در پشتیبانی از مبارزات محققانه مردم نامیبیا روز چهارم شهریور یعنی روز آغاز مبارزه مسلحانه را روز نامیبیا نامگذاری کرد. مبارزات عادلانه مردم نامیبیا بویژه مبارزه مسلحانه در سال‌های اخیر از پشتیبانی وسیع اکثر کشورهای و خلق‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برخوردار بوده است. سازمان وحدت آفریقا و سازمان ملل متحد در قطعنامه‌های مکرر خود خواستار خروج آفریقای جنوبی از نامیبیا و حق تعیین سرنوشت برای سرزمین این سرزمین شده‌اند. سرمداران نژادپرستان آفریقای جنوبی تحت فشار افکار عمومی جهان در حرف مجبور به پذیرفتن انجام مذاکرات "مسالمت آمیز" در باره نامیبیا شدند. در مرداد ماه ۱۳۵۶ نیز در استان آفریقای جنوبی تن به انجام انتخابات جهت استقلال نامیبیا زیر نظر سازمان ملل متحد دادند. در فروردین ماه ۱۳۵۷ مجبوره قبول شکلی خاص از استقلال پیشین‌های کشورهای پنج‌گانه غربی

# رویدادهای جهان

## پیش‌نویس طرح صلح سازمان وحدت افریقا درباره صحرای باختری

سازمان وحدت آفریقا جهت خاتمه دادن به جنگ در صحرای باختری و استقرار صلح در این سرزمین یک طرح شش‌نقطه‌ای را ارائه داده است. این طرح که در نشست "کمیته وایمن" سازمان وحدت آفریقا درباره صحرای باختری ارائه شده خواستار برقراری آتش‌بس تا دسامبر برگزاری همه‌پرسی در این کشور شد. شش نکته طرح عبارتند از: یک همه‌پرسی عادلانه و عمومی و آتش‌بس تا دسامبر آینده و نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد جهت تضمین و اطمینان آتش‌بس به این منطقه فرستاده شوند و از طرف‌های درگیر خواسته شده است که نیروهای خود را در طول آتش‌بس به پایگاه‌ها و پادگان‌ها منتقل نکنند، سازمان وحدت آفریقا بکمک سازمان ملل متحد مسئولیت اجرای همه‌پرسی را بعهده بگیرد و بلاخره دبیرکل سازمان وحدت آفریقا طرف‌های درگیر را از تصمیمات این کمیته مطلع گرداند.

اعضای کمیته صحرای باختری عبارتند از: زیمبابوئه، مالی، سیرالئون، تانزانیا، نیجریه، و سودان. سرزمین صحرا در سال ۱۹۷۶ استقلال خود را از استعمارگران اسپانیایی گرفت. اما کشورهای مراکش و موریتانی ادعای بخش‌هایی از این سرزمین را کردند، موریتانی از ادعای خود چشم‌پوشید اما مراکش از آن موقع تا کنون علیه جریک‌های جبهه آزادیبخش پولیساریو می‌جنگد. جبهه آزادیبخش پولیساریو که برای استقلال خود مبارزه می‌کند تا کنون بخش مهمی از کشور را از دگرده و نیز از قدامت‌ها تشکیل یک دولت بنام "جمهوری دمکراتیک خلق صحرا" کرده است که از طرف چندین کشور از جمله جمهوری اسلامی ایران، برسمیت شناخته شده است.

اقدام اخیر کشورهای کمیته صحرا می‌تواند گام مهمی در استقرار صلح و تضمین استقلال کشور صحرا بدون دخالت دولت‌ها بر قدرت باشد.

## اعتصابات مجدد کارگری در لهستان

بنا بر گزارش‌ها از راضیان لهستانی روز جمعه گذشته در قسمت‌های مختلف کشور کارگران دست‌ها را بالا بردند. علت اعتصاب مخالفت مدیتران کارخانجات و مقامات محلی با تشکیل اتحادیه‌های کارگری مستقل گزارش شده است.

در شهر "کیلس" واقع در ۱۶۰ کیلومتری جنوب ورشو مدتی کارخانه فلزک سازی دریا ساختن خواهی کارگران تهدید کرد که "اگر دست‌به‌تشکیل اتحادیه‌های کارگری مستقل بزنید ما با بی‌رحمی و بی‌گناهی را از دست خواهید داد". اما علیرغم این تهدیدات کارگران دست‌ازکار کشیدند.

بگفته‌گزارشگران هنوز معلوم نیست که این مخالفت‌ها و جلوگیری از تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگری بدست‌دولت مرکزی صورت گرفته است یا مدیران خودسرانه دست‌به‌این عمل زده‌اند.

از جمله بنگ‌های کمیته شد کارخانجات بافندگی در "لودز" یک کارخانه بزرگ ذوب آهن در "میژکوو" سیستم‌های اتومبیل‌سازی که کارخانه اتومبیل‌سازی، یک کارخانه رنگ‌سازی و کارخانه آهک‌سازی میباشند. بگفته‌منابع راضیان، اتحادیه‌های مستقل کارگری تاکنون دریا زده‌شهر از جمله "لودز"، "تولین" و "وروکلاو" تشکیل شده است. تجارب چند ماه گذشته لهستان بوضوح نشان داده که در صورت وحدت و یکپارچگی و پافشاری روی خواسته‌های خود کارگران قادرند به پیروزی

# ذخایر عظیم اقتصادی "طلای سفید" کشور را به خدمت رشد اقتصاد ملی بگیرد

پیش‌بینی می‌شود که محصول پنبه سال کشور نتواند از ۵۰۰ هزار تن افزایش یابد. در حالیکه میزان متوسط مصرف پنبه داخلی سالانه ۸۰۰ - ۷۰۰ هزار تن می‌باشد. در این حال پنبه همواره یکی از مهمترین اقلام صادرات غیرنفتی ما را تشکیل می‌دهد و به حق به "طلای سفید" می‌گفتند. به یقین می‌توان گفت که کاهش فراوان محصول پنبه کشور، بطور عمده ناشی از ناسامانیتها و هرج و مرج پس از انقلاب بوده است. بنابراین مار رسمی دولتی میزان تولید پنبه در سال‌های اخیر بدین ترتیب بوده است:

سال	۱۳۵۹	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	۱۳۵۵	۱۳۵۴	۱۳۵۰
وزن (هزار تن)	۶۰	۴۲۸	۵۲۵	۵۰۸	۴۷۰	۴۵۹	
درصد نیست							

میزان تولید پنبه در سال ۱۳۵۷ نسبت به سال قبل از آن ۲۰٪ کاهش نشان می‌دهد. در حالیکه در سال ۵۶ تنها از رشدی معادل ۵٪ برخوردار بوده است. البته مقایسه میزان تولیدات امسال و سال گذشته با سال‌های قبل ارقام فاجعه‌بارتری را نمایش می‌دهد. پنبه که در منابع نساجی و روغن‌کشی مورد استفاده فراوان دارد و هر ساله به میزان زیادی به خارج از کشور صادر می‌شود، امسال بسختی قادر است جوابگوی نیاز داخلی باشد و بدون شک امسال از صادرات خبری نخواهد بود.

در شرایطی که دولت سازمان برنامه مرتباً صحبت از این میکنند که راه مقابله با کمبود پنبه کفونی و بطور کلی راه حل بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور، افزایش درآمدناشی از تولیدات داخلی و راه‌های اکتفا بی رویه کفونی به درآمدناشی است، انوقت یک چنین عقب‌نشینی بزرگی در زمینه تولید پنبه - که از مهمترین کالاهای صادراتی بعد از نفت بود - یک مصیبت اقتصادی خواهد بود.

علل وضع اسفناک کفونی را می‌توان به دودسته تقسیم کرد: یکی مسائل ناشی از کمیت رژیم مزدور شاه و سیاستهای فدملی و وابستگی‌ساز آن و دیگری مسائل و مشکلات پس از سرنگونی رژیم شاه، که عمدتاً در هرج و مرج و بی‌برنامگی خلاصه می‌شود. نگاه مختصر به این دودسته از دلایل وضع خراب تولیدات پنبه می‌تواند در یافتن راه‌حلهای شریخی در این رشته از تولید ملی یا ریما نرساند.

تولید پنبه در بسیاری از مناطق کشور رواج دارد، اما منطقه گنبد و دشت گرگان به سبب استعدادهای طبیعی و فراوان، مهمترین مرکز کشت پنبه در ایران است. در این منطقه از اولین سال‌های پس از پایان جنگ دوم جهانی، ماشین‌آلات کشاورزی آمریکایی راه خود را با زکرت و بتدریج کشت مکانیزه در این مناطق رواج یافت. در سال ۱۳۵۰ سطح زیر کشت پنبه کشور جمعا به ۳۴۰ هکتار رسید.

سیاستهای فدملی و وابستگی‌ساز رژیم مزدور شاه، سبب شده و وابستگان به دربار و بوروکراتهای اداری - نظامی سیل آسای سوی این منطقه زرخیز هجوم آورند و با سلب مالکیت از اقشار وسیعی از کشاورزان، تولید بزرگو مدرن پنبه را در این سامان سازمان دهند، وابستگی این مزدوران بیبه دستگا دولتی رژیم شاه سبب می‌شود که مجموعه امکانات مالی و فنی و اداری به

پیشتر دعوا ستا بر گزاری بیست  
انتخابات زیر نظر سازمان  
برای تعیین مجمع قانونگذاری و  
تهیه پیش نویس قانون اساسی  
برای استقلال این کشور شده بود.

"سواپو" موافقت کرد به  
مذاکرات مقدماتی برای انتخاب  
یات بیوند.

در تیرماه ۱۳۵۷ شورای  
امنیت سازمان ملل متحد به دو  
قطعنامه ای که بر اساس این پیشنهاد

در باره نامیبیا نشستی در آنجا  
برگزار کرد و قطعنامه برتاسه  
عمل، در باره مسئله نامیبیا تصویب  
رساند که در آن ادغام نامیبیا  
این سرزمین توسط آفریقای  
جنوبی محکوم و از مبارزه مردم  
نامیبیا برای استقلال پشتیبانی  
شده و از شورای سازمان ملل متحد  
خواست که قطعنامه های مربوطه را به  
اجرا گذارد.

## رنجبر و خوانندگان | نشانی پستی «رنجبر»: تهران صندوق پستی ۳۱۲ - ۱۴۰۱

### در مقابل ظلم کار فرما چه کنیم؟

ما حبا امتیاز زور سدیر محترم  
روزنامه رنجبر راگان حزب رنجبران  
ایران

من پسری هستم ۱۴ ساله که در  
کارخانه موزا شیک سازی تجلی کار  
میکنم. چون پدر ندا روماد ریبری  
همدارم محبوب برای خانه کارکنم.  
کار فرمای این کارخانه بنام  
محمد علم، تجلی به من و همسالانم  
که انداز بزرگها کار میکنیم نصف  
حقوق را میدهد یعنی روزی ۱۵ تومان  
که من نمیتوانم خرج خانه مان را  
بدهم. اگر شورای کارگری تشکیل  
بدهیم را اخراج میکنند. پسری  
بنام مسینا در کرمی پیدا را اخراج  
کردند.

راهی بمانشان نمیده تا از  
دست این کار فرما نجات یابیم؟

خوا شنده همیشگی رنجبر  
م - ک  
و کارگانی دیگر، ماکان حق  
بین - نعمت ساعی.

نامهای را که در بالا خواندید  
نمونه کوچکی از دستم و اجافی است  
که کار فرمایان سودجو و استثمارگر  
برخی عظیم کارگران نوجوان و جوان  
معمول میدارند.

بهره گیری از نیروی کار اطفال  
در ایران امری رایج است. سرمایه  
داران با استخدام اطفال و نوجوانان  
جوانانی که به سن قانونی کار  
نرسیده اند، سودهای کلانی میبرند و  
بدون پرداخت حقوق و مزایای  
مساوی با کارگران بالغ، این  
کارگران خردسال را که اغلب  
بدلیل فقر خانواده روانه محیط  
کار شده اند، به استثمار میکنند.

کارکودکان و نوجوانان در  
بیشتر صنایع کارهای رواج دارد.  
در گروه یازده ساله ها، سنگ بریهای  
بیابانی، ریخته گریها، تعمیر  
گاههای اتوموبیل، کارگاههای  
راه سازی در خارج شهرها، کار  
گاههای قالیبافی، کارگاههای

سرما یه داری و بسته در لپتان بر و بند بطور قطع قا درند دولت را بعقب -  
نشینی و ادا شده و بخواسته های خود برسند.

## روسها سلاحهای سنگین را از ارتش افغانستان می گیرند

منابع موثق از کابل گزارش میدهند که افسران روسی سلاحهای سنگین  
روسی را از واحدهای ارتش افغانستان تحویل میگیرند، زیرا این سلاحها  
توسط فراریان ارتش در اختیار رزمندگان افغانی قرار میگیرند.  
بگفته این منابع اقدام اخیر روسها باعث تضعیف هر چه بیشتر روحیه  
افراد ارتش افغانستان شده و کینه دشمنی آنها را نسبت به ارتش شوروی  
افزایش خواهد داد.

منظران سیاسی معتقدند که تعداد ارتش ۸ هزار نفری افغانستان  
از زمان اشغال این کشور توسط ارتش روسیه به ۳۵ - ۲۰ هزار نفر تقلیل  
پیدا کرده است.

سربازان و افسران فراری ارتش سلاحهای خود را یا به مجاهدان  
میفروشد یا با سلاحهای خود به آنها می پیوندند. این سلاحها بیشتر شامل  
فداتک و ضد هوایی که فوق العاده مورد احتیاج مجاهدین است، میباشند.  
طبق گزارشات نبردهای شدیدی در مراکز ایالات مهم قندهار، هرات  
و دره سوق الجیشی مهم پنج شیرواق در شمال کابل ادا شده است. اما طبق  
آخرین گزارشات نیروهای روسی پس از ۱۸ روز جنگ در این دره با دادن ۵۰۰ -  
تا هزار تلافی و ۸۰۰ تا تک عقب نشینی کردند.

دیپلماتهای خارجی تا تک های آسپ دیده "تی ۶۲" روسی را که  
از طرف شهر "سوروبی" بین جلال آباد و قندهار بر میگشتند مشاهده کرده اند.  
از طرف دیگر مزارین افغانی به حملات چریک، خود در کابل همچنان  
ادا می دهند و در سه شنبه گذشته (هفته پیش) که دو نفر از اعضای جناح "پرچم" را  
دزدیده و خانه یکی دیگر از اعضای را منفجر کرده اند.

ضمنا برای اولین بار را علامیه ای بی زبان روسی در کابل پخش  
شده است که در آن به سربازان روسی اخطار شده است تا افغانستان را ترک  
کنند.

## ایتالیا: اعتصابات کارگری سه کارخانه فیات در تورین را در بر گرفت

جمعه گذشته کارگران اعتصابی، تولید را در سه کارخانه اتوموبیل  
سازی در شهر تورین متوقف کردند. این اعتصاب در اعتراض به اخراج  
۱۴ هزار کارگر از کارخانه فیات بوده است. اتحادیه کارگران فلزکار  
که این اعتصاب چهار ماهه را در شب پنجشنبه اعلام کرده اظهار داشت که  
قرار است اعتصاب در شعبه های اتوموبیل سازی سه کارخانه اصلی فیات  
برای تمام روز ادا می پیدا کند.

مذاکره بین کارفرمایان و اتحادیه های کارگری دربارهم تصمیم شرکت  
فیات تا در برابر اخراج ۱۴ هزار کارگر در مدت ۱۸ ماهه که گفته میشود بخاطر  
پائین آمدن فروش گاز است، چهارشنبه گذشته بدون نتیجه بیا بن رسید.  
جمعه گذشته اتحادیه های کارگری اعلام داشتند که شرکت فیات با آنها  
اطلاع داده است که احکام اخراج پس از ۲۵ روز برای ۱۴ هزار کارگر  
فرستاده خواهد شد.

جمعه گذشته در حدود ۸۰۰ کارگر در حالیکه شعار میدادند و پرچمهای  
نیز حمل میکردند بطرف مرکز شورای ناحیه ای دولت در تورین دست به  
راهپیمایی زده اند. رئیس شورای ناحیه ای دولت ضمن بدین رفتن هیئت  
از کارگران با آنها اظهار همبستگی کرده و شرکت فیات را خواست تا مذاکره  
با کارگران را از سر بگیرد و احکام اخراجها را ملغی اعلام کند.

کارگران برای کم کردن مخارج و مصالح مصرفی کارخانه پیشنهاداتی  
به کارفرمایان داده اند که از طرف مدیریت فیات تا کافیه اعلام شده است.  
از طرف دیگر فدراسیون اتحادیه های کارگری ایتالیا پنجشنبه  
گذشته اعلام کرد که پیشنهاد دیک اعتصاب عمومی چهار ماهه در سرتا سر ناحیه  
"بیدمونت" واقع در شمال ایتالیا داده است. اگر این پیشنهاد تصویب  
مجمع هیئت های نمایندگی و مقامات اتحادیه برسد تا هرات از روز ۲۵ -  
سپتامبر (سوم مهر) شروع خواهد شد.

کوچک و متوسط همچنین بزرگ مالکان غیر وابسته هر روز شرایط تولید  
برایشان دشوارتر گردد. عواقب این سیاستهای شوم بیش از هر کس گریبان  
کشاورزان و زمینداران خرده پارا میگیرد.

بنابراین امر رسمی منتشر شده از سوی دولت شاه در سال ۱۳۵۳ سهم  
تشکیل سرما یه در بخش کشاورزی به کل تشکیل سرما یه ثابت ناخالص داخلی  
۹/۴ درصد بود که در سال بعد نزدیک به ۳ درصد کاهش یافت و به ۶/۵ رسید  
(سالنامه بانک مرکزی). در عین حال آمارهای ظاهری میگویند که در  
ابتدای برنامه "عمرانی" پنجم، سهم نسبی شاغلین بخش کشاورزی ۴۹٪ جمعیت  
شاغل کشور بود، در حالیکه در آخرین برنامه این رقم به ۳۴٪ در صدر رسید.  
یعنی در طول یک برنامه به نسبت ۷۲٪ هزار شاغل از فقر و سیاه روز افزون  
روستاها گریخته و به شهرها پناهنده آوردند.

بدون شک این تعداد شاغل بخش کشاورزی که به شهرها روان میشوند،  
دهقانانی هستند که دیگر مراعات بوسیله تکه زمین کوچکیان امکان پذیر  
نیست و برای اینکه مرگ فرزندان شان را از گرسنگی جلوی چشمان نبینند  
آواره شهرها میشوند. آخر در شهرها گدا بی هم میتوان کرد  
کا هن ۳٪ در تشکیل سرما یه ثابت بخش کشاورزی تنها در یکسال بدون  
شک نشانگر نامید شدن هژبریزدانیها از تولیدات کشاورزی نیست، بلکه  
دزست بعکس نشانگر متوسل شدن اقشار کوچک و متوسط فعال در بخش کشاورزی  
به راههای دیگر ارتزاق است. وقتی نرخ سودهای اعجاب انگیز در رشته های  
گوناگون ظاهری چون بورس بازی، زمین خواری، واردات و احتکار و.....  
با نرخ سودهای حوزه های فعالیت اقتصادی مقایسه کنیم، بی شک به  
چرا بی سیر و بیورشکتگی اقشار ملعی و غیر وابسته و نابا شته تر شدن  
شرایطی وابستگی و مزدوران بی میریم... به وضع بنیبه که بنگریم و  
نگاه به جدول تولیدات سالانه بیندازیم، درمی یابیم که بدون شک یکی  
از عوامل اصلی کاهش تولید همین سیاستهای مخرب محمدرضا شاه بوده است.  
"اما پس از انقلاب، با سرنگونی رژیم مزدور شاه بسیاری از سرپرندگان  
درباری فرار کردند و با اعدام شدند. از طرفی جنبشهای مطالباتی زحمتکشان  
و بخصوص دهقانان گنبد و دشت برای تقسیم زمین که کلا ملاحی بود به  
مناسبات حاکم قبلی در تضاد شدیدی بود. بزرگ مالکان، آنها که باقی مانده،  
بودند، به سبب بی اعتمادی به وضع از سرمایه گذاری خودداری میکردند و  
دهقانان نیز در ابتدای کار قادر نبودند از عهده مخارج کشت برآیند. در هم  
ریختن سازمان تولید و جانشینی و هرج و مرج بجای آن، سبب کاهش چشمگیری  
در میزان تولید پنبه شد.

بی برنامه گی دولت و حتی بعضی حمایتهای مستقیم و غیر مستقیم از  
بزرگ مالکان به ناسامانی اوضاع بیشتر دامن زد. دهقانان مجبور بودند  
به زور زمین خود را تصاحب کنند و مالکان بزرگ فعالیت تولیدی خود را به  
حد اقل رسانند. بسیاری از ماشینهای کشاورزی بلا استفاده ماند و بسیاری  
از اراضی وسیع زیر کشت مکنیزه نگه نگه شد... وضعی که هنوز هم پیکان  
نیافته است و بی برنامه گی کنونی دولت و رشد جنبشهای حق طلبانه دهقانی  
بنظر نمی رسد که به این زودیها پایان پذیرد.

در یک کلام پس از انقلاب استخوان بندی تولید، بدانسان که در دوره  
ظاهرت شکل یافته بود، تا حدود زیادی در هم ریخت ولی در عین حال  
جای آنرا نگرفت. تنها اقدام هواداران "سازمان چریکهای فدائی خلق"  
در تشکیل نظام جدید مبتنی بر شوراها و دهقانیها خواست جایگزینی وضع قبلی  
شود که بعزت طلبی و بهره برداریهای سیاسی آنها و به سبب نا همخوانی  
با شرایط عینی، شناخت غلط از اوضاع، بی توجهی به ستم دیده ترین اقشار  
منطقه - زابل و بلوچها - که پرولتاریای روستائی در منطقه بودند،  
عدم تلفیق میان کشت وسیع و مکانیزه و کشت خرده مالکی و... شکست خورد.  
مشکل اصلی را با یددربنی توجهی دولت نسبت به با سخگونی به نیازهای  
زحمتکشان و در این مورد دهقانان بی زمین و کم زمین و در عین حال بی  
اعتنائی نسبت به تشبیت اوضاع سیاسی، در مبارزه با هرج و مرج و تدوین  
برنامه ای روشن و جامع برای اقتصاد کشور دانست.

پنبه، یکی از مهمترین تولیدات کشاورزی کشور است و مصارف صنعتی  
فراوانی دارد. افزایش تولیدات پنبه نه تنها منبع مهمی برای مسواد  
خام کارخانه های نساجی و روغن کشی است بلکه از محل صادرات آن نیز  
میتوان سالانه مقدار زیادی ارز بدست آورد و بدین ترتیب، "طلای سفید" را  
در جنگ با حاکمیت "طلای سیاه" در اقتصاد کشور بکار گرفت.

### تصحیح

در مقاله اقتصاددای شماره گذشته "نگاهی به اوضاع اقتصادی و غارتگری  
امپریالیسم روسیه" در درج یک رقم اشتباهی رخ داده است. در باره گراف چهارم  
در عبارت "بیش از ۶۰٪ از صنایع سنگین شوروی در رابطه با تولید تسلیحات  
بکار مشغولند"، اشتباه بجای ۶۰ درصد، رقم ۶۶ درصد آمده که بدینوسیله  
تصحیح میگردد.

# موضع گیریهای وزارت امور خارجه در ارتباط با تحولات خاورمیانه

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با تحولات اخیر خاورمیانه بیانیهای صادر کرده، در عین حال تلگرافها نیز از طرف این وزارتخانه برای حبیب شطی دبیرکل کنفرانس اسلامی ارسال شد.

رانیز بهت زده کرد و نقرتی همگانی در بین ملتها بوجود آورد.

نمونه دیگر آن فعالیتها شکی است که تحت رهبری عراق در خلیج فارس صورت میگردد. رژیم عراق در زیر پوشش نداشتن روابط سیاسی با آمریکا و مبارزه ظاهری وریاکارانها با آن کشور توانسته است قیامهای انقلابی بخود بگیرد. میان وسیله دولتهای فرسج و دوستان آمریکا را بدور خود جمع کند حال آنکه در واقع امر، هدفهای نهائی آنان جبهه گیری و توطئه بر علیه دولت جمهوری اسلامی است....

عواملی که بر حساسیت منطقه افزوده اند و خطراتی که ممکن است هر آن از جانب شرق و غرب متوجه ملتهای بی سلاح و دست بسته منطقه شود عبارتند از:  
۱- اشغال افغانستان توسط نیروهای روسیه شوروی و درگیری خونین آنان با مهاجرت مسلمان.  
۲- حمله نظامی ناموفق آمریکا

وزارت امور خارجه در بیانییه خود پس از آنکه تصویری از وضع صف بندیهای خاورمیانه بدست میدهد و "گروه بندیهای مشکوک" را در ارتباط با برقراری آنها می کند، عواطفی را که بر حساسیت منطقه افزوده نام می برد از د. قسمت هایی از این بیانییه را در زیر ملاحظه میکنید:

کوشش روز افزون ابرقدرتها برای نفوذ در منطقه و سرسپردگی بعضی از حکام منطقه برای بوجود آوردن چنین امکاناتی سبب شده است که گروه بندی های مشکوک رؤساء مسئولین کشورهای منطقه بالا گیرد... در بین این گرایشهای دولتها به جبهه و راست آنچه که دولت مصر مرتکب شد چیزی بود که حتی مرتجعترین خود فروخته ترین کشورهای منطقه

بدا بران و یورش های احتمالی آینده و کودتا های طراچی شده توسط دشمنان انقلاب که با نظارت آمریکا در شرف تکوین است و احتمال اجرای نقشه بعدی بر علیه جمهوری اسلامی ایران.  
۳- توسعه طلبی عراق و یورش خفیف و شدید بین کشورهای ایران که موجب نا راحتی و نا آرامی ملتها و دولتهای ناحیه را فراهم آورده است.  
۴- تجاوزات رژیم اشغالگر قدس به جنوب لبنان و توسعه طلبی آن و انتخاب قدس بعنوان پایتخت جدید که موجی از نگرانی و نا آرامی را در تمام ملل اسلامی بوجود آورده است.  
۵- اغتشاش در ترکیه که بالاخره منجر به کودتای نظامی شد.

چیزی است که قدرت و کارائیش را در انقلاب اسلامی ایران بخوبی نشان داده و بیقین میتواند منشأ آشکار بیشتری باشد. دیگر هدف این چنین اتحادی میباید رویا روشی باشک و هرگونه وابستگی به شرق و غرب و هر ابر قدرتی باشد.  
در حالیکه ملتها حاضرند با دادن خون در اعتلای اسلام و مسلمانان یکبار گنند، چرا نمیباید از این مواهب بهره گرفت و آنرا فعلا لانه بکار برد.  
ما آرزویی بجز پیروزی ملتهای ضعیف و سرکوب شدن ابر قدرتها و مستکبرین نداریم و تحقق چنین آرزویی را فقط در یکپارچگی ملتها و امت اسلامی میبینیم.

تلگراف وزارت امور خارجه به آقای شطی نیز با سخنی است به نظر خواهی درباره دعوت مراکش به تشکیل اجلاس برای بررسی مسئله قدس. متن تلگراف از این قرار است:  
جناب آقای حبیب شطی دبیر کل کنفرانس اسلامی با اظهار تهنیت و شادمانی از آنکه دبیرخانه کنفرانس اسلامی فرصت میدهد که مسئله فلسطین و قدس شریف در دست عنا صر

وابسته به امیرالاسلام آمریکا قسرا کبره بنظر ما مطرح کردن این مسئله در مغرب مقرون به آزادی قسین نخواهد بود خصوصا که این جانب در یازدهمین اجلاس وزرای اسلامی اسلام با دمریحا با ریاست حسن دوم در کمیته قدس مخالفت کردم و در آنجا اظهار شد که این امر موقتی است و این دوران ریاست به پایان خواهد رسید من امیدوارم این مسائل قبل از این که جنبه برخورد پیدا کنند در یک محیط تفاهم حل و فصل شود. بنا بر این اگر مسئله قدس اجلاس ویزه ای را ضروری سازد چرا این اجلاس در مدینه منوره و یا مکه معظمه که هردو شهرهای مقدس و مورد احترام مسلمانان جهان بوده و برخورد را ز دنیا میسوزانند تبلیغاتی سیاسی بر علیه رژیم اشغالگر قدس نیز هستند تشکیل نیاید.

اگر این امر امکان پذیر نباشد بدینوسیله موافقت خود را با تشکیل اجلاس فوق العاده کنفرانس در کشورهای الجزایر - سوریه - کویت - امارات عربی اعلام میدارم همچنین با آنکه شاید شرایط فعلی چندان مساعد نمی باشد ولی ایران نیز آمادگی خود را برای مهمانداری از اجلاس فوق العاده وزرای خارجه اسلام میدارد.

## اشغال دفتر جاما جواب به چیست؟

بزرگ قدرتی محدود و تعطیل نما بیند. رئیس جمهور مملکت این کارها را محتوم میکنند، دا دستا ن کل کشور این کارها را خلاف قانون و ضد انقلابی دانسته و حکم بر تخلیه مراکز احزاب و روزنامه ها میدهد، امام جمعه تهران در خطبه نماز می گوید: آقایان کارها بضرر اسلام است و معاهد با زهم این کارها تنه تعطیل نشد، بلکه ادا می افتد و امروزه امثال مرکز جاما هم رسیده است.

دیروز چهارشنبه اعلام شد که صبح روز سه شنبه دفتر جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما) توسط همان عده ای که بقیه دفاتر روزنامه ها و احزاب و سازمانهای سیاسی را اشغال کرده اند با صلاح فتح شد. البته خبرهای بعدی حاکی از اینست که دفتر توسط کمیته وکلانتری مرکز پس گرفته شد و در عین حال خسارتی از جانب اشغال کنندگان به دفتر وارد شد و برخی چیزها بسرقت رفت.

بهر حال این مسئله دیگری همه نشان داد که گویا "فاشیست با زیبائی" که قول اش را ب مردم داده بودند می خواهد واقعاً عملی شود. زیرا جاما نه یک سازمان "چپ" است و نه یک جمعیت ملی گرا که بگویند بدلیل همان خز عیلات ذکر شده در باره بقیه اشغالها با این کار متوسل شده اند. علاوه بر اینکه جاما در مجلس شورای اسلامی نماینده دارد و وقتا عدتا با یید مشمول "فاشیست با زی" نگردد.

با بد پرسید یا مسئولین امور مملکت چه قضا ئی وجه اجرائی دارای اختیاراتی هستند یا نه؟ برای هر آدم عاقلی دو جواب بیشتر نمی ماند یا این مسئولین اختیاراتی ندارند و یا خودشان با این کارها موافقت زیرا در کجای دنیا می توان بد پذیرفته

می پرسیم آیا دولت، قسوه قضا ئی و مراجع شرعی مانند امام جمعه تهران این مواضع را برای خالی نبودن عریضه گرفته اند و یا به آنها معتقدند؟ ز شما می پرسیم آیا شما مجری قانون هستید و یا تبع آن و یا مجری ملاحظات و تبع آن؟ از شما می پرسیم آیا اصل بیست و ششم قانون اساسی ایران معتبر است یا از درجه اعتباری رسا قسط شده است؟  
بالاخره از مجلس شورای اسلامی می پرسیم شما که با ید وکیل مردم با شید و حافظ و مسبل قانون اساسی چرا عکس العمل نشان نمی دهید؟ یا همه در برابر قانون برابرند تفسیر این همان تفسیر لیبیرالسم غربی است که همه در برابر قانون به نسبت برابر بری شان در قدرت سیاسی و



# دفتر سند یکای جدید کارگران لهستان دایر گردید

### آیا کارگران لهستانی خواهند توانست پیروزی خود را حفظ کنند؟

خبرگزاری تاسی گفتند: "کشور لهستان در حال حاضر ناگزیر است که یک سلسله تصمیمات دشوار اتخاذ نماید، تصمیماتی که یا پدسا شده و نتیجه یافته باشند، تصمیماتی که یا پند نه تنها نتایج اقتصادی کار را بلکه همچنین برونوا قبال را نیز در نظر داشته باشند." روشن است که "سایر عواطف چیز دیگری مگر تجاوز نظامی شوروی به سبک چکسلواکی نمیتواند باشد.

بیش از دو هفته از پیروزی بزرگ کارگران لهستان میگذرد، همانطور که میدانیم، کارگران لهستان وبه خصوص کارگران کشتی سازی لنین در بندر گدانسک و دیگر بندر ساحل دریای بالتیک در طول سه هفته به اعتصاب بزرگ عمومی موفق گردیدند تا با حمایت همه کارگران کشور خود بخش اعظم خواستههای ۲۱ مسأله ای اقتصادی و سیاسی خود را با انکس عقب نشینی و مصالحه به دولت قدس کارگری تحمیل کنند که در اسامه آنها خواست تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری بود که دولت سرانجام آنرا نیز پذیرفت با قید این شرط که کارگران و سندیکا های مستقل آنها رهبری حزب حاکم را در اندازد از امور جامعه سلب کند.

بدین ترتیب، کارگران لهستان برای حفظ استقلال جنبش کارگری در برابر نظام فاشیست سرمایه داری دولتی و حفظ استقلال میهن در برابر سوسیال امپریالیسم شوروی ناگزیر به اداره مبارزه از بدبط لانت هستند.

لکن مشکلات و خطرات متعددی است. این پیروزی بزرگ را تهدید میکند: در مورد درخواستهای اقتصادی، دولت معلوم نیست چگونه میتواند از عهده تعهدات خود برآید، لهستان از طرفی ۲۰ میلیارد دلار به غرب مقروض است و از طرف دیگر کمربند زیر بار فشار "گومکون" (با زار مستقیم شوروی و اقمارش خرد شده زیرا تقسیم کار درون "گومکون" باعث میشود که لهستان مواد ضروری مورد نیاز خود را به شوروی صادر کند و برای وارد کردن آنها به غرب مقروض شود، البته آلمان غربی از شوروی و شوروی از سوی دیگر قول اعطای اعتبار را داده اند، لکن با توجه به وابستگی لهستان، این کمکها دردی را دوا نمیکند و بیش از آنچه به جیب مردم لهستان رود به جیب بوروکراتهای لهستان میرود. در این صورت روشن است که جنبش اعتراضی زحمتکشان لهستان دوباره سر بلند خواهد کرد و حداقل معلوم نیست که با رد دیگر ناگزیر به استفاده از سلاح سرکوب نظامی نشوند.

اعضای سندیکی جدید کازگری، دفتر سندیکار ادراگدا نسک افتتاح میکنند

سیاسی از ایدی ۱۵ شعبه سند، مجلس و دولت و دستگاه قضایی، پلیس و پاسدار و ارتش و غیره ذالک همه باشند. آنوقت عده ای قلیل که ظاهرا هیچ کاره اند و شاید بتوانند در صورت رویا روشی ازین یکی از همین دستها هم برآیند، عملا آزادیهای سیاسی را

## از اعدام رهبر مخالفان کره جنوبی جلوگیری کنیم

مطابق گزارش خبرگزاریها رهبر مخالفین رژیم حاکم نظامی کره جنوبی در دادگاهها که دادگاه آن را ۲۴ ژانوال کره ای برعهده داشتند به سرگ محکوم شد. آنها رهبر مخالفین رژیم کره، کوش برای براندازی حکومت کنونی است. وی در مبارزات اعتصابی و تظاهرات ماههای گذشته کره جنوبی نقش فعالی را برعهده داشت. رهبر مخالفین رژیم کره که "کیم دا چون" نام دارد در بین مردم از محبوبیت زیادی برخوردار است. در انتخابات سال ۱۹۶۱ علیه رژیم هم تلاشهای رژیم حاکم ۴۵٪ آرا را بخود اختصاص داده بود. به همراه کیم دا چون ۲۲ تن از همفکرانش نیز به زندانهای طویل المدت از ۲ سال تا حبس ابد محکوم شدند. قرار است دادگاه تجدیدنظر نظامی دیگری این احکام را در روزهای آینده بررسی کند. اقدام اخیر رژیم نظامی وابسته به آمریکا در کره جنوبی حلقه دیگری است از زنجیر فعالیتهای سرکوبگرانه این رژیم غیرقانونی علیه مخالفین خود. مردم مبارز کره در بخش جنوبی قهرمانانند و برای این تشبیهات مبارزه میکنند و در راه وحدت دو کره، استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی و دمکراسی به پیش خواهند رفت. در این شرایط خطر دولت و ملت انقلابی ما وهمه نیروهای سیاسی و متعهد می باید بیاری مردم کره جنوبی پشتا بندوبه اقدام جدید رژیم نظامی کره شیدا اعتراض کنند و از اجرای احکام اخیر ما در قاطعانه جلوگیری نمایند.

عالمین دستگیری نمایندگان...  
از صفحه اول

با توجه به مواضع هیئت مؤسسنفندراسیون کارگران در ظرف ۱۸ ماه بعد از انقلاب، و این حق قانونی کارگران برای بحث و تبادل نظر و ایجاد تشکیلات مستقل کارگری و قبول آن در قانون اساسی ماستگیری کارگران و نمایندگان کارگران و دبیر هیئت مؤسسنفندراسیون را غیر قانونی دانسته و شیدا آنها را محکوم می نماید ویرا معتقدیم اقداماتی از اینگونه، که معلوم نیست از کدام ناحیه اعمال میشود در شان جمهوری اسلامی نیست و از دستان محترم تقاضای مصرا نه داریم ضمن آزادی و رفع هرگونه فشار و تضییق علیه کارگران محرکین این عمل را شناسایی و تحت پیگرد قانونی قرار بدهند.

با کمال تشکر  
هیئت مؤسسنفندراسیون کارگران  
ایران  
۵۹/۶/۲۲

رونوشت به: دفتر ریاست جمهوری، دادستانی کل کشور، وزارت کار و امور اجتماعی، خبرگزاری پارس، انقلاب اسلامی، کیهان، اطلاعات رنجبر، میزان.

### رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

صاحب امتیاز و سردبیر: فرامرز روزبیری  
مدیر مسئول: علی حجت

نشانی: (دفتر رنجبران) خیابان یکی از مراکز خودکامه است.  
نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۲۱۴ - ۱۲۰۱  
چاپ زندگی



۱. ما ما شالطفا کتیرک راجرا م بلیرید.  
۲. چا؟  
۳. زود با شیره این الحق راس من وصل کیفه!  
۴. الو ورتشو، رفیق کتیرک لطف با رفیق برترتف صحبت کنیید.  
۵. اتفاقا همین الان بشن تلفن کردم "پروکتور" بیاید گفت!  
۶. چه درگاه؟ چه مزه؟  
۷. نه! منی خواص پروت! بزبان افغانی میروم! کافیه!  
۸. چا چی میگویی؟  
۹. همین! این سکرتر منه که تعجب کرده از اینکه...  
۱۰. این کلمه رو تا مجال به زبان روسی بشن گفتند!